

نقش چهل سال انقلاب اسلامی در توسعه آموزش های استشرق *

اکبر محمودی**

چکیده

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ شمسی، نقطه عطفی در گسترش آموزش استشرق در داخل و خارج از کشور جمهوری اسلامی ایران بوده است. با پیروزی این انقلاب مردمی و دینی در کشوری که دارای اهمیت ویژه‌ای در سطح منطقه و بین الملل است، اذهان و افکار بسیاری از کشورها، ملت‌ها، مراکز و اشخاص را به ماهیت این انقلاب به لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، تمدنی، اخلاقی، تربیتی، حقوقی، دینی، مذهبی و ... معطوف نمود و سبب مطالعات آموزشی و پژوهشی در سطح کمی و کیفی بالایی گردید. از این رو، نوع مطالعات آموزشی و پژوهشی غربیان در زمینه استشرق، تحول زیادی یافت. از سوی دیگر، حکومت و تعامل آن با مراکز و شخصیت‌های فعال مردمی درباره استشرق در ایران، موجب شد تا رایزنی‌ها و روابط بیشتر و بهتری با مستشرقان صورت گیرد و از همین رهگذر منابع معتبر و دست اول بیشتری در اختیار آنان قرار گیرد. ایجاد رشته‌های تخصصی (مانند: قرآن و مستشرقان)، دروس تخصصی، سرفصل‌های مرتبط با استشرق، کرسی‌های استشرق، فرصت‌های مطالعاتی، آموزش‌های کوتاه مدت، جذب دانشجو، اعزام دانشجو و ... راه کارهای مهمی در راستای گسترش آموزش‌های استشرق بوده است. هرچند در ایران، برخی از مراکز حوزوی (مانند: مدرسه عالی قرآن و حدیث، مرکز تخصصی قرآن امام علی ابن ابیطالب علیه السلام)، مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن، مؤسسه بین المللی مطالعات اسلامی و حوزه علمیه خواهران) و دانشگاهی (مانند: دانشگاه قرآن و حدیث، دانشگاه تهران، دانشگاه پیام نور، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه باقر العلوم علیه السلام)، دانشگاه معارف اسلامی و دانشگاه اصفهان) به آموزش پیرامون استشرق می‌پردازند؛ ولی نبود یک مرکز علمی مستقل و تخصصی در زمینه استشرق (اعم از آموزشی و پژوهشی) در حوزه و دانشگاه، یکی از مهم‌ترین خلاهای قابل مشاهده در قلمرو استشرق است.

واژگان کلیدی: قرآن، ایران، انقلاب اسلامی، چهل سالگی انقلاب، استشرق، مستشرقان، آموزش استشرق.

*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۱ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۹/۵.

** . دانش آموخته سطح چهار حوزه علمیه قم و دکترای دانشگاه معارف اسلامی: mahmoodiakbar24@gmail.com

الف) مقدمه

استشراق و خاورپژوهی، یکی از دغدغه‌های اصلی کشورهای جهان به خصوص غرب شده است، به طوری که در حال حاضر، مراکز زیادی در جوامع غربی و غیر غربی به آموزش، پژوهش و مطالعه در زمینه جوامع شرقی و اسلامی می‌پردازند.

حجم زیاد آموزش و پژوهش در این زمینه، نشان از اهمیت و ضرورت این مسأله برای این جوامع دارد، وگرنه آنان این همه منابع انسانی، مالی و زمانی خویش را بیهوده صرف نمی‌کنند.

اهداف اشخاص و مراکز در این زمینه نیز متفاوت است، برخی به جهت اغراض سوء و بعضی به دلیل شناخت حقیقت و کنجکاوای دست به این کار می‌زنند. در هر صورت، شایسته است که سرمایه‌گذاری بیشتری در این حوزه صورت گیرد و منابع بیشتری در اختیار افراد و مراکز حقیقت‌طلب گذاشته شود تا آگاهی بیشتر و بهتری نسبت به جوامع شرقی و اسلامی داشته باشند.

پیش از بزرگ‌ترین رخداد دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قرن بیستم میلادی در جهان - یعنی پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران - مراکز و اشخاصی به موضوعات و مسائل مرتبط با استشراق می‌پرداختند؛ ولی پس از این رخداد، تحول شگرفی در کمیت و کیفیت فعالیت‌ها و مطالعات مراکز و اشخاص فعال در عرصه استشراق رقم خورد و گستره آن‌ها به اوج خویش رسید، هر چند تا قله صعود، راه زیادی در پیش است و باید گام‌های بیشتر و بهتری را برداشت.

این نوشتار به دلیل چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه سال ۱۳۹۷ شمسی، بر آن است تا نقش و اثر انقلاب اسلامی ایران در گسترش و ارتقای کمی و کیفی مراکز آموزشی فعال در عرصه استشراق در داخل و خارج از کشور جمهوری اسلامی ایران را مورد تحلیل و بررسی علمی قرار دهد.

ب) مفهوم‌شناسی استشراق

کلمه «استشراق» واژه‌ای عربی است که مصدر باب ثلاثی مزید «استفعال» بوده و ریشه اصلی آن، «شرق» است. «شرق» نیز یکی از چهار جهت اصلی (شمال، جنوب، شرق، غرب) در جغرافیا به شمار می‌رود که در زبان فارسی به آن، «خاور» گفته می‌شود (معین، فرهنگ فارسی، ۱۳۷۱: ۲/۲۰۳۹).

به بخشی از کره زمین که در قسمت شرقی نصف النهار گرینویچ قرار دارد (مجموعه کشورهای قاره آسیا) شرق گفته می‌شود (انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۵۲: ۵/۴۴۸۲). نصف النهار

گرینویچ (نصف النهار مبدأ یا نیمروز گرینویچ) به خط طولی زمین گفته می‌شود که از رصدخانه سلطنتی گرینویچ در شهر لندن عبور می‌کند. طول جغرافیایی آن به عنوان طول جغرافیایی صفر تعریف شده است. این خط فرضی که شرق و غرب را از هم جدا می‌کند، به عنوان نقطه مبدأ در جهت‌یابی بر روی کره زمین به شمار می‌رود و پایه‌ای برای اندازه‌گیری زمان به حساب می‌آید و همه نقاط مناطق زمانی طبق نقطه صفر طول جغرافیایی بنیان گذاشته شده‌اند. این نصف النهار از قطب شمال شروع شده و با عبور از کشورهای بریتانیا، فرانسه، اسپانیا، الجزایر، مالی، بوركینافاسو، توگو، غنا و سرزمین شهبانو ماود در جنوبگان به قطب جنوب پایان می‌یابد (بدیعی، جغرافیای مفصل ایران، ۱۳۶۲: ۱/۱۱).

کلمه «استشراق» نیز با توجه به همین معنا، در میان دانشمندان استعمال می‌شود. این واژه، معادل شرق‌شناسی و شرق‌پژوهی (خاورشناسی و خاورپژوهشی) است (دهخدا، لغت‌نامه، ۱۳۷۷: ۲/۲۱۵۲؛ انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۲: ۵/۴۴۸۲) و به مجموعه‌ای از تحقیقات و مطالعات غربیان یا شرقیان تحت کنترل آن‌ها درباره منطقه شرق، تاریخ، جغرافیا، کشورها، ملت‌ها، نژادها، زبان‌ها، حکومت‌ها، ادیان، مذاهب، آداب، رسوم، علوم، فرهنگ‌ها، تمدن‌ها، سبک‌های زندگی و دیگر امور مرتبط با آن‌ها اطلاق می‌شود.

همچنین به علومی که درباره این نوع از تحقیقات و مطالعات، پژوهش، تدوین، تدریس و تحصیل می‌شوند، دانش‌های استشرافی می‌گویند.

بررسی مقوله استشراف را می‌توان در حوزه‌های مراکز علمی (اعم از آموزشی و پژوهشی)، فعالیت‌های علمی (اعم از همایش‌ها، کنفرانس‌ها، کنگره‌ها، نشست‌ها، میزگردها، رایزنی‌ها و ...) آثار علمی (اعم از کتاب، پایان‌نامه، رساله، مقاله، بولتن، پروژه و ...) و ... مورد تحلیل و بررسی قرار داد که در این نوشتار علمی - به جهت محدودیت گنجایش - تنها به بررسی مراکز آموزشی متعلق به جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با استشراف پرداخته می‌شود.

ج) تعامل انقلاب اسلامی با کشورهای خارجی در استشراف

کشور جمهوری اسلامی ایران از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون، سیاست گفتمان، رایزنی، تبلیغ، ترویج و همکاری در زمینه روابط با کشورهای خارجی را در پیش گرفته و در ضمن این چهل سالی که از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد، از این رهگذر، نتایج و فواید پر بار و مهمی در داخل و خارج از کشور به دست آمده است.

ایده بنیانگذار جمهوری اسلام ایران: «حضرت آیت الله العظمی امام سید روح الله موسوی خمینی» (قدس سره) این بود که باید انقلاب اسلامی ایران به سراسر جهان صادر شود (موسوی خمینی، صحیفه امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۷۹: ۱۳ / ۹۰).

رهبری معظم انقلاب اسلامی ایران: «حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای» (مد ظله) نیز - که شاگرد برجسته «امام خمینی» (قدس سره) است - در توضیح مراد از سخن «امام خمینی» (قدس سره) فرموده که مقصود، صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران و به شکل سیاسی، نظامی و امنیتی نیست؛ بلکه مراد، صدور فرهنگ، تمدن، مفاهیم، معارف، ارزش‌ها و احکام قرآنی و اسلامی است (www.icro.ir).

نوع برخورد معتدلانه و تعامل‌گونه جمهوری اسلامی ایران با سایر کشورها، توانسته اشخاص و مراکز شرق پژوه، اسلام‌پژوه و شیعه‌پژوه زیادی را به سوی افکار، عقاید، فرهنگ، تمدن و سبک زندگی ملت جمهوری اسلامی ایران جلب نماید و سبب گشودن درب‌های بزرگ مطالعات و تحقیقات استشرافی شود.

د) نقش کلیدی انقلاب اسلامی در گسترش آموزش استشراق

به جرأت و با قاطعیت می‌توان گفت که اگر انقلاب اسلامی ایران نبود، مراکز، رشته‌ها، گرایش‌ها، دروس و سرفصل‌های مرتبط با آموزش استشراق به این صورت و با این کیفیت و کمیت، رشد و توسعه نمی‌یافتند.

همراهی حکومت و دولت با مراکز آموزشی توانسته بستر مناسب را جهت رونق و پویایی مباحث مربوط به استشراق فراهم سازد و در همین فرصت، فعالیت‌های علمی، آموزشی و پژوهشی فراوانی صورت گیرد.

تأسیس سازمان‌ها و نهادهایی - مانند سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام)، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و جامعة المصطفی العالمیه - از سوی حکومت در کشور ایران، راه‌های رویش و گسترش مباحث و آموزش استشراق را به مراتب هموار کرده است. از سوی دیگر کمک حکومت و دولت در ارتباط‌گیری با جوامع و کشورهای خارجی و دعوت آنان به کشور ایران و همچنین رفتن ایرانیان به کشورهای خارجی، سبب شده تا فاصله میان مستشرقان و ایرانیان کم شود و با هم داد و ستد علمی، آموزشی و پژوهشی داشته باشند و از نظرات، دیدگاه‌ها و آثار هم آشنا شوند و بهتر و بیشتر بتوانند پیرامون استشراق و مسائل مرتبط با آن، فعالیت کنند.

ه) تاریخچه اجمالی توسعه آموزش استشرق در چهل سال انقلاب اسلامی

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مباحث مرتبط با استشرق در مراکز آموزشی کشور ایران، نمود قابل مشاهده‌ای نداشت؛ ولی اندکی پس از انقلاب، ریشه‌های این مباحث در دروس مراکز آموزشی نفوذ کرد.

در مرحله آغازین، برخی از متون نوشته شده توسط مستشرقان - از جمله: مقاله‌ها، کتاب‌ها، دائرةالمعارف‌ها، بولتن‌ها و ... - در کلاس‌های دروس زبان تخصصی در مقاطع: کارشناسی، کارشناسی ارشد دکترای تخصصی، ترجمه، تحلیل و نقد می‌شد؛ مانند: «قرائت متون تاریخ به زبان خارجی»، «زبان خارجی با تکیه بر ترجمه متون تاریخی» (www.literature.iauctb.ac.ir)، «زبان تخصصی انگلیسی»، «متون تخصصی انگلیسی» (www.qhu.ac.ir)، «زبان تخصصی قرآن و حدیث» (www.isu.ac.ir) و ...

در مرتبه بعدی در برخی از سرفصل‌های دروس عمومی یا تخصصی این مراکز علمی، مباحث مرتبط با استشرق گنجانده شد؛ مثل درس «شیعه در نگاه دیگران» که یکی از سرفصل‌های اصلی آن، «شیعه در نزد مستشرقین» است (www.osoool.ac.ir; www.rahpooyan.ac.ir) و مثل درس «بررسی آراء و نظرات جدید در حوزه قرآن و حدیث» که در آن، سرفصلی با عنوان «معرفی قرآن‌پژوهان و حدیث‌پژوهان معاصر و آثار آن‌ها» وجود دارد و دارای دوزیرسرفصل با عنوان «مستشرقان» و «مسلمانان» است (www.osoool.ac.ir) و مثل درس «نقد و بررسی آرای معاصران درباره قرآن» که در آن، سرفصلی با عنوان «مستشرقان» وجود دارد (www.qhu.ac.ir).

به مرور زمان، بعضی از عناوین دروس توسط مراکز حوزوی و دانشگاهی در همین زمینه تدوین و تهیه شد؛ مانند دروس «بررسی ترجمه‌های قرآن مستشرقان»، «قصص قرآن و مستشرقان»، «دوره‌ها و مکاتب استشرق»، «بررسی آثار قرآنی مستشرقان»، «اعجاز قرآن و مستشرقان» (www.quran.imam.miu.ac.ir)، «تاریخ اسلام و مستشرقان»، «مستشرقان و تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام)»، «قرآن و مستشرقان»، «حدیث و مستشرقان»، «نقد آرای مستشرقان در رابطه با سنت»، «نقد آثار مستشرقان»، «مستشرقان و کلام»، «نقش تمدن و فرهنگ اسلامی در مغرب زمین و آثار مستشرقان»، «نقد و بررسی دیدگاه مستشرقان درباره اهل بیت (علیهم‌السلام)»، «مستشرقان و اهل بیت (علیهم‌السلام)»، «قرآن و مستشرقان» (www.miu.ac.ir)، «مستشرقان و قرائات» (www.quran.imam.miu.ac.ir)، «مهدویت و استشرق» (www.tarikh.imam.miu.ir)، «تشیع در آثار مستشرقان» (www.iri.dte.ir; www.pnu.ac.ir)، «استشرق و امام‌شناسی» (www.ahl.ui.ac.ir) «قرآن و شبهات مستشرقان» (www.theology.umz.ac.ir)، «نقد و بررسی آرای معاصران

(خاورشناسان و غیر خاورشناسان) درباره قرآن» (www.theology.umz.ac.ir)، «اسلام‌شناسی در غرب» (www.sbu.ac.ir)، «بررسی و نقد دیدگاه‌های مستشرقان» (www.isu.ac.ir) و «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» (www.quran.msrt.ir).

در مرحله بعدی، رشته‌هایی در این زمینه در نظر گرفته و به تصویب رسانده شد؛ مانند رشته «قرآن و مستشرقان» که برای اولین بار مجوز آن توسط مدرسه عالی قرآن و حدیث وابسته به جامعه المصطفی‌العالمیه در شهر قم از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دریافت شد. این رشته دارای سه گرایش با عناوین: «معارف قرآن»، «علوم قرآن» و «مبانی و اصول قرآنی شیعه» است (www.quran.imam.miu.ac.ir).

گام بعدی، تأسیس یک مرکز علمی مستقل در زمینه استشراق است که تا کنون تحقق نیافته و با توجه به میزان گسترده معلومات و اطلاعات در این باره، شایسته است که مراکز آموزشی و پژوهشی جداگانه‌ای درباره استشراق و شاخه‌های آن، راه‌اندازی شود.

(و) نقش جامعه المصطفی‌العالمیه در توسعه آموزش استشراق

جامعه المصطفی‌العالمیه، نهادی غیر دولتی، علمی و بین‌المللی با هویت حوزوی است که به گسترش علوم اسلامی، انسانی و اجتماعی با رویکرد آموزشی، پژوهشی و تربیتی در سراسر جهان اهتمام دارد و انبوهی از داوطلبان را از سراسر گیتی تحت پوشش قرار داده و فرصت کم‌نظیری برای تشنگان زلال معارف اسلامی و هدایت قرآنی در سراسر جهان فراهم می‌آورد تا ضمن تربیت مجتهدان و عالمان پارسا و متعهد، به تبیین، تولید و تعمیق اندیشه‌های اسلامی و نشر و ترویج اسلام ناب محمدی همت گمارد (www.miu.ac.ir).

این نهاد حوزوی در سال ۱۳۸۶ شمسی با تلفیق «سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور» و «مرکز جهانی علوم اسلامی» با دستور رهبری معظم انقلاب اسلامی ایران: «حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای» (مد ظله العالی) تشکیل شده و توسط هیئت امناء و زیر نظر دفتر رهبری معظم انقلاب اسلامی اداره می‌شود (www.miu.ac.ir).

مرکز جهانی علوم اسلامی در شهریور سال ۱۳۵۸ شمسی تأسیس گردید و سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور نیز در سال ۱۳۷۰ شمسی تأسیس شد و به مرور زمان در بیش از ۴۵ کشور جهان ایجاد شده بود. این دو مرکز با دستور مقام معظم رهبری «حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای» (مد ظله العالی) در تاریخ ۲۸ آذر سال ۱۳۸۶ شمسی، به یک نهاد جدید با نام «جامعه المصطفی‌العالمیه» تبدیل شدند (www.miu.ac.ir).

این مرکز علمی، بسترهای زیادی را برای آموزش در حوزه استشراف در سراسر جهان فراهم آورده و حتی منجر به اسلام آوردن بسیاری از مستشرقان شده است.

دانشگاه مجازی المصطفی، پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، مؤسسه فرصت‌های مطالعاتی حکمت، مؤسسه زبان و فرهنگ‌شناسی، مرکز آموزش زبان و معارف اسلامی، مجتمع آموزش عالی امام خمینی (قدس سره)، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، مجتمع آموزش عالی فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، مجتمع آموزش عالی مشهد، مجتمع آموزش عالی تهران و البرز، نمایندگی افغانستان، نمایندگی پاکستان، نمایندگی گرگان، نمایندگی اصفهان و ... از جمله مهم‌ترین زیرمجموعه‌های جامعه المصطفی العالمیه به شمار می‌روند که هر کدام سهمی بزرگ در گسترش آموزش در عرصه خاورپژوهی دارند.

در گرایش «تاریخ اسلام» از رشته «فقه و معارف اسلامی (فقه و تاریخ اسلام)» در مقطع کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی از جامعه المصطفی العالمیه، دو واحد تخصصی با عنوان «تاریخ اسلام و مستشرقان» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

همچنین در گرایش «تاریخ اسلام» از رشته «فقه و معارف اسلامی (فقه و تاریخ اسلام)» در مقطع سطح چهار، دو واحد تخصصی با عنوان «مستشرقان و تاریخ اهل بیت (علیهم‌السلام)» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

در گرایش «قرآن» از رشته «فقه و معارف اسلامی (فقه و قرآن)» در مقطع کارشناسی ارشد و سطح چهار نیز دو واحد تخصصی با عنوان «قرآن و مستشرقان» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

همچنین در گرایش «حدیث» از رشته «فقه و معارف اسلامی (فقه و حدیث)» در مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد تخصصی با عنوان «حدیث و مستشرقان» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

۳۹ در رشته «علوم حدیث تطبیقی» از مقطع سطح چهار نیز دو واحد تخصصی با عنوان «نقد آرای مستشرقان در رابطه با سنت» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

در رشته «علوم و فنون قرائات» از مقطع سطح چهار، درس «مستشرقان و قرائات» در دو واحد تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

در رشته «تاریخ تشیع» از مقطع دکترای تخصصی نیز دو واحد تخصصی با عنوان «نقد آثار مستشرقان» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

همچنین در رشته «تاریخ اهل بیت (ع)» در مقطع دکترای تخصصی و سطح چهار، دو واحد تخصصی با عنوان «نقد آثار مستشرقان» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

در رشته «مطالعات تطبیقی کلامی اهل بیت (ع) و اهل سنت با تأکید بر سلفیه» در مقطع سطح چهار، دو واحد تخصصی با عنوان «مستشرقان و کلام» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

در رشته «تاریخ تمدن اسلامی» از مقطع کارشناسی ارشد نیز دو واحد تخصصی با عنوان «نقش تمدن و فرهنگ اسلامی در مغرب زمین و آثار مستشرقان» در ۳۲ واحد تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

همچنین در رشته «اهل بیت شناسی» از مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد تخصصی با عنوان «نقد و بررسی دیدگاه مستشرقان درباره اهل بیت (ع)» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

در رشته «اهل بیت شناسی» از مقطع سطح چهار نیز دو واحد تخصصی با عنوان «مستشرقان و اهل بیت (ع)» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

در رشته «ادبیات قرآنی» از مقطع کارشناسی ارشد نیز دو واحد با عنوان «قرآن و مستشرقان» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

در واحدهای آموزشی گروه تاریخ اسلام از مجتمع آموزش عالی امام خمینی (قدس سره)، درسی با عنوان «مهدویت و استشراق» تدریس می‌شود (www.tarikh.imam.miu.ir).

جامعة المصطفی در خارج از کشور ایران نیز به توسعه آموزش استشراق پرداخته است. کالج اسلامی لندن، یکی از شعبه‌های فعال جامعة المصطفی در این زمینه است که در سال ۱۹۹۸ میلادی توسط مرحوم «حجت الإسلام و المسلمین دکتر محمدجعفر علمی» در شهر لندن از کشور انگلیس تأسیس شده که در دل آن، حوزه علمیه انگلیس نیز جای داده شده و هم اکنون این حوزه توسط «حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی شمالی» اداره می‌شود (www.islamic-college.ac.uk).

در مقطع کارشناسی ارشد در این کالج، درس «اسلام و غرب» تدریس می‌شود که به تحقیقات و مطالعات غربیان و مستشرقان در زمینه اسلام و مسلمانان می‌پردازد (www.islamic-college.ac.uk).

جامعة المصطفی العالمیه با ابزارهایی مانند فرصت مطالعاتی و آموزش‌های کوتاه مدت، نقش مهمی در آشنایی و آموزش غربیان و مستشرقان پیرامون شرق و امور مربوط به آن داشته است.

ز) نقش مدرسه عالی قرآن و حدیث در آموزش استشرق

مدرسه عالی قرآن و حدیث، یکی از مدارس فعال در مجتمع آموزش عالی امام خمینی (قدس سره) در شهر مقدس قم است که زیر نظر جامعه المصطفی العالمیه قرار دارد.

این مدرسه ابتدا به عنوان گروه قرآن و حدیث در سال ۱۳۷۸ شمسی با ریاست «حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی» (زید عزه) آغاز به کار کرد و سپس در سال ۱۳۸۸ شمسی به مدرسه تبدیل شده و الان با کوشش مسئولان این مدرسه، مجوز تبدیل شدن به مجتمع عالی را نیز دریافت کرده است (www.quran.imam.miu.ac.ir).

در کشور جمهوری اسلامی ایران، برای اولین بار، مجوز تأسیس و تدریس رشته «قرآن و مستشرقان»، توسط این مدرسه از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری دریافت شده و در مقطع دکترای تخصصی از میان طلاب خارجی و ایرانی دانشجوی پذیرش شده است (www.quran.imam.miu.ac.ir).

این رشته درسی، دارای گرایش‌های سه‌گانه: «معارف قرآن»، «علوم قرآن» و «مبانی و اصول قرآنی شیعه» است (www.quran.imam.miu.ac.ir).

در این رشته در سه گرایش، دو واحد درسی با عنوان «بررسی ترجمه‌های قرآن مستشرقان»، دو واحد درسی با عنوان «قصص قرآن و مستشرقان»، دو واحد درسی با عنوان «دوره‌ها و مکاتب استشرق»، دو واحد درسی با عنوان «بررسی آثار قرآنی مستشرقان» و دو واحد درسی با عنوان «اعجاز قرآن و مستشرقان» و «زبان تخصصی (۱)» و «زبان تخصصی (۲)» و دو واحد درسی با عنوان «قوانین قرآن از نگاه مستشرقان» و ... تدریس می‌شود (www.quran.imam.miu.ac.ir).

در مرداد سال ۱۳۹۷ شمسی، از اولین رساله دکترای این رشته با عنوان «جریان‌شناسی قرآن‌پژوهی مستشرقان آلمان (با تأکید بر تطور، مناہج و دیدگاه‌های قرآنی مبتنی بر آن‌ها)» (المدرسة الاستشراقية الألمانية في الدراسات القرآنية مع التأكيد على التطور والمناهج والمواضيع القرآنية التي ركزت عليها) توسط «آقای حیدر ساعدی» از کشور عراق و با راهنمایی «حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدحسن زمانی»، مشاوره «حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدجواد اسکندرلو» و داوری «حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی» و «حجت الاسلام و المسلمین دکتر اکبر محمودی» و «دکتر کریمی نیا» و به زبان عربی دفاع شده است.

در رشته «تفسیر و علوم قرآن» از مقطع کارشناسی ارشد در این مدرسه، دو واحد درسی با عنوان «قرآن و مستشرقان» تدریس می‌شود (www.quran.imam.miu.ac.ir).

همچنین در رشته «علوم حدیث» از مقطع کارشناسی ارشد در این مدرسه، دو واحد درسی با عنوان «حدیث و مستشرقان» تدریس می‌شود (www.quran.imam.miu.ac.ir).

همچنین براساس بخش نامه جدید ابلاغ شده در سال ۱۳۹۵ شمسی، در مقطع کارشناسی از این مدرسه، در رشته علوم قرآن و حدیث (مجموعه اختیاری مطالعات قرآن)، درس «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» در دو واحد تدریس می‌شود (www.miu.ac.ir).

در رشته «علوم حدیث تطبیقی» از سطح چهار در این مدرسه، درس «نقد آرای مستشرقان در رابطه با سنت» در دو واحد تدریس می‌شود (www.quran.imam.miu.ac.ir).

در رشته «علوم و فنون قرائت» از مقطع سطح چهار، درس «مستشرقان و قرائت» در دو واحد تدریس می‌شود (www.quran.imam.miu.ac.ir).

مجله علمی - ترویجی و (ISC) با عنوان «قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)» در این مدرسه با صاحب امتیازی مجتمع آموزش عالی امام خمینی (قدس سره) و همکاری مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی علیه السلام و با مدیر مسؤولی «حجت الاسلام والمسلمین حسین علوی مهر» و سردبیری «حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی» به شماره ۵۰۸۶/۱۲۴ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ثبت شده و شماره اول آن در پاییز و زمستان سال ۱۳۸۵ شمسی، به زبان فارسی، چاپ و منتشر شده و هنوز ادامه دارد (www.qkh.journals.miu.ac.ir).

همایش بین المللی قرآن و مستشرقان نیز توسط این مدرسه در ۲۱ اسفند ماه سال ۱۳۹۱ شمسی در مجتمع آموزش عالی امام خمینی (قدس سره) در شهر مقدس قم برگزار شد (جمعی از مؤلفان، مجموعه مقالات همایش بین المللی قرآن و مستشرقان، ۱۳۹۱: ۳/۱).

ح) مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابیطالب علیه السلام و آموزش استشراق

برای اولین بار در طول تاریخ حوزه علمیه، مرکزی تخصصی برای آموزش رشته «قرآن و مستشرقان» در سال ۱۳۹۷ شمسی با مجوز رسمی شورای گسترش حوزه علمیه قم ایجاد شده است. این مرکز که با عنوان «مرکز تخصصی قرآن امام علی بن ابی طالب علیه السلام» شناخته می‌شود، توسط «حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی» و با همکاری جمعی از فضلا و دانشمندان حوزه علمیه قم تأسیس شده و در دو رشته: «قرآن و مستشرقان» و «قرآن و علوم» از میان طلاب برادر ایرانی، در مقطع سطح سه دانش پژوهی پذیرد (www.mtq.dqat.ir).

در رشته «قرآن و مستشرقان»، به بررسی مطالعات و پژوهش‌های مستشرقان درباره قرآن و مسائل پیرامونی آن و همچنین پاسخ به شبهات و سؤالات مرتبط با آن‌ها پرداخته می‌شود.

ط) نقش سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در توسعه مراکز آموزشی استشراف

سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، یکی از زیرمجموعه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در جمهوری اسلامی ایران است که برای ایجاد و گسترش شناخت، علاقه و باور نسبت به دین اسلام ناب، انقلاب اسلامی، مزیت‌های جمهوری اسلامی ایران و فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی در جوامع دیگر به منظور گسترش پرتو اسلام و تحکیم هم‌گرایی و پیوندهای اسلامی، دینی و معنوی تأسیس شده است (www.khamenei.ir).

این سازمان، دارای معاونت‌های: «بین‌المللی»، «فرهنگی»، «پژوهشی و آموزشی» و «اداری و مالی» است که هر کدام نقش مهمی در توسعه کرسی‌های شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی دارند (www.icro.ir). معاونت پژوهشی و آموزشی این سازمان با داشتن مرکز مطالعات فرهنگی و بین‌المللی، مرکز گفتگوی ادیان، مرکز آموزش و توسعه همکاری‌های علمی دانشگاهی، مرکز گسترش زبان و ادبیات فارسی، مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی در خارج از کشور و کتابخانه مرکزی و آرشیو اسناد، نقش مهم‌تری در این زمینه ایفا می‌کند (www.icro.ir).

رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، زیر نظر سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در کشورهای مختلف از جمله کشورهای غربی و اعزام مبلغ از سوی آن به سراسر جهان سبب شد تا این کشورها، دسترسی بیشتر و بهتری به منابع استشراف داشته باشند و راه‌های گسترش آموزش استشراف به این کشورها باز شود (www.icro.ir).

راه‌اندازی بخش ایران‌شناسی و کرسی زبان فارسی در دانشگاه کنکور دیا از کشور کانادا با همکاری «پروفسور ریچارد فولتس» (Richard Foltz) استاد ایران‌شناسی و تاریخ ایران در این دانشگاه در سال ۱۳۸۶ شمسی؛ راه‌اندازی کرسی اسلام‌شناسی و کرسی زبان فارسی در دانشگاه بارسلون از اسپانیا با همکاری «پروفسور کارلس کارراس ورداگر» معاون بین‌المللی دانشگاه در سال ۱۳۹۰ شمسی؛ برگزاری نشست بررسی آسیب‌شناسی مطالعات اسلام‌شناسی در شهر تورنتو از کشور کانادا در ۲۳ آبان سال ۱۳۸۸ شمسی؛ اهدای ۳۵۰ جلد از کتاب‌های مرجع و معتبر در حوزه اسلام‌شناسی به کرسی اسلام‌شناسی در دانشکده علوم اجتماعی و ادیان از دانشگاه مک‌مستر از شهر همپلتون از کشور کانادا در سال ۱۳۸۹ شمسی؛ تأسیس کرسی شیعه‌شناسی در مؤسسه اسلام‌شناسی و مرکز مطالعات دینی از دانشگاه مونستر از کشور آلمان با همکاری «پروفسور خورشیده» در سال ۱۳۹۰ شمسی؛ راه‌اندازی کرسی الهیات اسلامی (با تأکید بر تئولوژی و دیدگاه اسلام درباره خدا و جهان‌بینی الهی اسلام) در شهر برلین از کشور آلمان در سال ۱۳۹۳ شمسی؛ راه‌اندازی کرسی ایران‌شناسی و کلاس آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه

پایی سی هیلن دارسکی در شهر پلودیو از کشور بلغارستان با همکاری «خانم دکتر نادیا چرنوا» رئیس دانشکده زبان و ادبیات این دانشگاه در سال ۱۳۹۰ شمسی؛ برگزاری جایزه کتاب سال اسلام در حوزه مطالعات آلمانی زبان در سال ۱۳۹۴ شمسی؛ راه اندازی کرسی شیعه شناسی در دانشگاه گوته فرانکفورت در سال ۱۳۹۴ شمسی؛ برگزاری دومین کنفرانس بین المللی قرآن پژوهی در کشور آلمان در سال ۱۳۹۴ شمسی؛ برگزاری نشست گفتگوی ادیان با دومینکن ها در شهر کلن از کشور آلمان در سال ۱۳۹۴ شمسی؛ ترجمه و تفسیر مختصر قرآن در کشور آلمان در سال های ۱۳۹۳ شمسی به بعد؛ انتشار اولین جلد از مجموعه پنج جلدی «آموزش اسلام برای کودکان» در کشور آلمان در سال ۱۳۹۴ شمسی؛ انتشار فرهنگ لغت نامه اسلامی فارسی به آلمانی در کشور آلمان در سال ۱۳۹۴ شمسی؛ راه اندازی کرسی ایران شناسی و کرسی اسلام شناسی و کلاس آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه پنتون از شهر آتن در کشور یونان با همکاری «خانم از مینی کری یاری» رئیس این دانشگاه در سال ۱۳۹۵ شمسی، برخی از مهم ترین اقدامات این سازمان در راستای گسترش مطالعات استشرافی در سطح جهان است (www.icro.ir).

ی) نقش مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در گسترش آموزش استشراف

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام یک سازمان غیر دولتی و جهانی است که به وسیله گروهی از نخبگان پیرو اهل بیت علیهم السلام و تحت اشراف رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۹، در شهر تهران تأسیس شده است (www.ahl-ul-bayt.org).

هدف از راه اندازی این مجمع، احیاء و گسترش فرهنگ و معارف اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و حراست از حریم قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ دفاع از کیان اسلام و حریم پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله؛ تعمیق و تقویت وحدت در میان تمامی امت اسلام به ویژه میان پیروان اهل بیت علیهم السلام؛ حمایت از حقوق مسلمانان جهان و جایگاه پیروان اهل بیت علیهم السلام؛ توسعه زیرساخت های مادی و معنوی پیروان اهل بیت علیهم السلام در سراسر جهان؛ کمک به رشد و اصلاح وضعیت فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی پیروان اهل بیت علیهم السلام در سراسر جهان؛ خارج کردن پیروان اهل بیت علیهم السلام از مظلومیت رسانه ای، علمی و اقتصادی؛ تلاش برای ایجاد صلح، دوستی، همکاری و همیاری میان همه انبای بشر و ملل در جهان (www.ahl-ul-bayt.org).

این مجمع با دنبال کردن اهداف تعیین شده، تأثیر و سهم فراوانی در آشنایی ملت ها و جوامع غربی و غیر اسلامی با دین اسلام، مذاهب اسلامی، شیعه و کشور ایران داشته و بستر مناسب را برای برگزاری کرسی های خاورشناسی و اسلام شناسی فراهم نموده است.

چاپ، انتشار و ارسال کتاب‌های اسلامی و شیعی به ۵۵ زبان - از جمله انگلیسی، اسپانیولی، فرانسوی، ایتالیایی، پرتغالی، سوئدی، دانمارکی، بوسنیایی، فنلاندی، لهستانی، نروژی، گرجی، هوسایی، سواحیلی، فولانی، لوکاندایی، رواندایی، یوربایی و امهری - و بیش از ۱۸۰۰ عنوان؛ انتشار بیش از ۲۲ مجله به زبان‌های گوناگون در سراسر جهان؛ راه‌اندازی سایت مفتاح با ارائه بیش از هفتاد هزار پاسخ به پرسش‌های مختلف اسلامی به زبان‌های عربی، انگلیسی، فارسی، ترکی استانبولی و اردو؛ پذیرش دانشجو از طریق دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع) از سراسر جهان؛ برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت شیعه‌شناسی در سراسر جهان؛ راه‌اندازی کتابخانه‌های تخصصی شیعه‌شناسی و اسلام‌شناسی در کشورهای مختلف - از جمله آرژانتین، ایالات متحده آمریکا، شیلی، کلمبیا، مکزیک، آلمان، بوسنی و هرزگوین، تاتارستان، روسیه، ترکیه، رومانی، گرجستان، آفریقای جنوبی، بورکینافاسو، تانزانیا، زیمبابوه، کنگو برازویل، کنگو کینشازا، کنیا، گینه کوناکری و مصر - برخی از مهم‌ترین اقدامات مجمع جهانی اهل بیت (ع) در سراسر جهان جهت توسعه مطالعات استشرافی از نوع اسلام‌شناسانه و شیعه‌شناسانه است (www.ahl-ul-bayt.org).

ک) نقش مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ارتقای آموزش استشرافی

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، سازمانی غیر دولتی است که از گروهی از اندیشمندان و عالمان دینی جهان اسلام با هدف تلاش برای نزدیکی بیشتر مذاهب اسلامی شکل یافته است (معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معرفی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۷: ۴۳).

این تشکل به دنبال برگزاری چهارمین کنفرانس وحدت اسلامی که از سوی سازمان تبلیغات اسلامی در شهر تهران در سال ۱۳۶۹ برگزار شد به دستور رهبری معظم انقلاب اسلامی ایران راه‌اندازی شده و مرکز آن، شهر تهران است و مجمع عمومی، یکی از ارکان آن است که شورای عالی را تعیین می‌کند (www.taghrib.com).

۴۵

مجمع یاد شده، نشست‌ها و آموزش‌های متفاوتی را در کشور جمهوری اسلامی ایران و برخی از کشورهای خارجی برگزار کرده و منشأ گسترش مطالعات و فعالیت‌های استشرافی به خصوص از نوع اسلام‌شناسانه شده است.

انتشار مجله «اسلام در نگاه غرب» به زبان انگلیسی؛ حضور در نمایشگاه‌های خارجی؛ تدریس دروس مرتبط با استشراف در دانشگاه مذاهب اسلامی؛ تدوین کتاب‌های مرتبط با استشراف در پژوهشگاه مطالعات تقریبی در شهر مقدس قم، برقراری ارتباط با مراکز علمی و دانشگاهی در

سراسر جهان؛ حضور در نمایشگاه‌های خارجی، رایزنی و کمک جهت ایجاد کرسی اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی در برخی از کشورها؛ نقش و همکاری در برگزاری برخی از همایش‌ها و کنفرانس‌ها - از جمله همایش گفتگوی بین اسلام و مسیحیت در شهر وین از کشور اتریش؛ کنفرانس ادیان در تایلند در سال ۱۴۲۳ قمری؛ برگزاری کنفرانس اقلیت‌های مسلمان در آفریقا در غنا در سال ۱۴۲۳ قمری؛ کنفرانس نقش مسلمانان در نهضت روحی روسیه در شهر مسکو؛ کنفرانس گفتگو بین تمدن‌ها در شهر قاهره از کشور مصر؛ همایش نقش گفت‌وگو در تمدن اسلامی در تونس؛ همایش همزیستی تمدن‌ها در دانمارک در سال ۱۴۲۵ قمری؛ همایش اسلام و غرب قرطبه در اسپانیا در سال ۱۴۲۵ قمری؛ همایش اسلام و مسیحیت بارسلونا در اسپانیا در سال ۱۴۲۵ قمری؛ اجلاس اتحادیه علمای مسلمان در لندن از کشور انگلستان در سال ۱۴۲۵ قمری؛ کنفرانس جمعیت دعوت اسلامی در لیبی در سال ۱۴۲۵ قمری؛ همایش صلح جهانی در آلمان در سال ۱۴۲۴ قمری؛ نشست فرهنگ اساتید دانشگاهی در مغرب - از مهم‌ترین اقدامات این مجمع جهانی در راستای توسعه مطالعات استشرافی است (طوفانی، اهداف، ساختار و فعالیت‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۶: ۵۰ و ۷۲-۸۶ و ۱۱۰ و ۱۲۳-۱۲۵).

ل) تأثیر مجمع جهانی شیعه‌شناسی در افزایش آموزش استشراق

مجمع جهانی شیعه‌شناسی، مجموعه‌ای غیر دولتی است که در سال ۱۳۸۰ شمسی در شهر قم توسط «حجت الاسلام والمسلمین علی انصاری بویراحمدی» (رفع مقامه) و فضلای دیگر حوزی و دانشگاهی تأسیس شده است (www.shiastudies.com).

از جمله اهداف این مجمع، گسترش رشته علمی و کرسی شیعه‌شناسی در داخل و خارج از کشور ایران؛ همچنین گسترش مراکز و مجامع علمی شیعه‌شناسی در سطح ملی و فراملی؛ معرفی و تبلیغ مکتب بزرگ اسلامی و فرامذهبی تشیع به صورت گسترده و فراگیر در سطح فراملی؛ تأسیس شعبه‌های متعدد شیعه‌شناسی در کشورهای هدف است (www.shiastudies.com).

انتشار بیش از ۱۵۰ جلد کتاب به چهار زبان، فعال نمودن سایت‌ها و پرتابل‌های علمی به زبان خارجی، برگزاری همایش‌ها و کنفرانس‌های امامت، غدیر و موعودگرایی در خارج از کشور، همکاری و حمایت از مستبصرین علمی، آموزش‌های تخصصی، برگزاری کارگاه‌های شیعه‌شناسی، انتشار نشریات ترویجی و تبلیغی امام‌شناسی و شیعه‌شناسی، برگزاری کرسی اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی در خارج از کشور، از جمله تلاش‌های ارزنده این مجمع در راستای آشنایی غربیان و مستشرقان با اسلام و تشیع بوده است (www.shiastudies.com).

کرسی امام علی (علیه السلام) برای مطالعات شیعی در مدرسه علوم دینی هارتفورد در شهر هارتفورد (Hartford)، پایتخت ایالت کنتیکت (Connecticut) از ایالات متحده آمریکا - که قدیمی‌ترین مؤسسه مطالعات ادیان در آمریکای شمالی است - با همکاری و تأمین بودجه از سوی مجمع جهانی شیعه‌شناسی تأسیس شد و «پروفسور لیاقت تکیم» استاد اسلام‌شناسی دانشگاه مک‌مستر کانادا در شهر همیلتن و اهل زنگبار تانزانیا، تدریس آن را بر عهده گرفت. این کرسی علمی سبب شناخت بیشتر مستشرقان نسبت به اسلام و تشیع شد و حتی برخی از مدیران، اساتید و دانش‌پژوهان این مدرسه به کشور ایران جهت شناخت بیشتر اسلام و ایران سفر کرده‌اند.

م) سایر مراکز آموزشی حوزوی فعال در ایران درباره استشراق

در حوزه علمیه، مراکز آموزشی فراوانی به آموزش و تدریس در زمینه مستشرقان و مطالعات و فعالیت‌های آنان پیرامون استشراق به خصوص از نوع اسلام‌پژوهانه و شیعه‌پژوهانه آنان می‌پردازند که به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن

مرکز آموزش تخصصی تفسیر و علوم قرآن یکی از مراکز تخصصی حوزه علمیه قم است که زیر نظر «حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی» (مد ظله) در سال ۱۳۷۰ شمسی، تأسیس شده و از میان طلاب برادر در سطوح دو، سه و چهار، دانش‌پژوه می‌پذیرد (www.mt.ismc.ir). در این مرکز تخصصی حوزوی، دو واحد درسی با عنوان «قرآن و مستشرقان» در ۳۲ ساعت در مقطع سطح چهار تدریس می‌شود.

۲- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس سره) یک مجموعه غیر دولتی و غیر انتفاعی است که جهت تحصیل طلاب شیعه در سال ۱۳۷۴ شمسی در شهر قم، زیر نظر «حضرت آیت الله علامه محمدتقی مصباح یزدی» (مد ظله) تأسیس شده است (www.iki.ac.ir).

در این مؤسسه، در مقطع کارشناسی ارشد از رشته «علوم قرآن»، دو واحد تخصصی با عنوان «قرآن و مستشرقان» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.iki.ac.ir).

۳- مرکز تخصصی مهدویت

مرکز تخصصی مهدویت، یکی از مراکز تخصصی تحت پوشش مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در ایران است که در سال ۱۳۸۰ شمسی در شهر قم توسط «حجت‌الاسلام والمسلمین محسن قرائتی» تأسیس شده است (www.mahdi313.org).

در این مرکز تخصصی حوزوی، درسی به میزان دو واحد تخصصی با عنوان «مهدویت و استشراق» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود که به مباحث و مطالعات مستشرقان در زمینه مهدی موعود علیه السلام و امور مرتبط با آن می‌پردازد.

۴- مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی

مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی یکی از مراکز تخصصی وابسته به مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در ایران است که آموزش تخصصی طلاب برادر در سطح سه و چهار را بر عهده دارد. ریاست این مؤسسه بر عهده «حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی شمالی» است. این مؤسسه که به عنوان اولین گام، آموزش رشته مطالعات اسلامی به روحانیون مسلط به زبان‌های عربی و انگلیسی را برنامه خود قرار داده، تمامی دروس اختصاصی و عمومی خود را به یکی از این دو زبان ارائه می‌دهد.

این مؤسسه یک مرکز بین‌المللی، آموزشی و پژوهشی است که هدف از آن، تربیت و اعزام اساتید جهت تدریس در کرسی‌های اسلام‌شناسی در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی سراسر جهان؛ ارتباط و همکاری با مراکز دانشگاهی و فرهنگی معتبر جهان و شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی؛ تدوین و چاپ متون درسی و درسنامه برای گرایش‌های اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی خارج از کشور ایران؛ انتشار مجلات علمی به زبان‌های بین‌المللی؛ برگزاری کنفرانس‌ها و نشست‌های علمی بین‌المللی است (www.iiiis.ir).

۵- مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام

مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا علیه السلام، یکی از مراکز تخصصی حوزه علمیه است که زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در چندین رشته تحصیلی از میان طلاب برادر دانش‌پژوه جذب می‌کند و فعالیت دارد (www.iri.dte.ir).

در این مؤسسه در رشته «تاریخ تشیع» در مقطع سطح سه، درس تخصصی «مستشرقان و تاریخ» در ۳۲ ساعت و ۲ واحد در نظر گرفته شده که در این درس، با استشراق آشنا شده و رویکردها و دیدگاه‌های مستشرقان در حوزه تاریخ تشیع، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد (www.iri.dte.ir).

در مقطع سطح سه از رشته «شیعه‌شناسی» در این مؤسسه، دو واحد درس مطالعاتی «تشیع در آثار مستشرقان» در ۳۲ ساعت در نظر گرفته شده است (www.iri.dte.ir).

۶- حوزه علمیه خواهران

حوزه علمیه خواهران در سال ۱۳۶۳ به دستور بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران با تأسیس جامعه الزهرا (علیها السلام) راه اندازی شد و سپس در سال ۱۳۷۵ شمسی، با سفر مقام معظم رهبری به شهر قم با تأسیس «مرکز مدیریت حوزه علمیه خواهران» توسعه یافت (www.whc.ir).

در رشته تخصصی «تاریخ اسلام» در مقطع سطح سه در حوزه علمیه مجتهد امین (قدس سرها) در شهر اصفهان و مدرسه عالی معصومیه (زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه) در شهر قم، درس «مستشرقان و تاریخ اسلام» در دو واحد برای طلاب خواهر تدریس می‌شود (www.whc.ir).

در رشته «تفسیر و علوم قرآن» در مقطع سطح سه در این حوزه، درس «قرآن و مستشرقان» در دو واحد برای طلاب خواهر تدریس می‌شود (www.whc.ir).

ن) مراکز آموزشی دانشگاهی فعال در ایران درباره استشراق

رشته «علوم قرآن» با گرایش «مستشرقان» در مقطع کارشناسی ارشد در ۱۷ اردیبهشت سال ۱۳۹۲ طبق مصوبه شماره ۸۳۸ در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تصویب شده و هم‌اکنون در چندین مرکز آموزش عالی در کشور جمهوری اسلامی ایران - از جمله دانشگاه قرآن و حدیث در شهر مقدس قم - در حال اجرا و تدریس است (www.msrt.ir).

در طرح تحول رشته «علوم قرآن و حدیث» در مقطع کارشناسی که در تاریخ ۱۳ تیر سال ۱۳۹۵ در کمیسیون برنامه‌ریزی آموزشی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تصویب شده، یکی از دروس تخصصی، درس «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» در دو واحد در نظر گرفته شده است که در مقطع کارشناسی، تدریس می‌شود (مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور، بازنگری در رشته‌های علوم قرآنی و حدیث، ۱۳۹۴: ۱۷۲).

(www.quran.msrt.ir)

این طرح توسط حجج الإسلام و المسلمین: «دکتر سید رضا مؤدب»، «دکتر محمدتقی دیاری»، «دکتر محمدعلی تجری»، «دکتر کامران اویسی» و «دکتر اکبر محمودی» زیر نظر مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور به نگارش در آمده و توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به تصویب رسیده است (مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور، بازنگری در رشته‌های علوم قرآنی و حدیث، ۱۳۹۴: ۸۶).

۱- دانشگاه تهران

دانشگاه تهران بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی در ایران است که در سال ۱۳۱۳ شمسی تأسیس شد و پس از انقلاب اسلامی ایران توسعه چشم‌گیری یافت و به دانشگاه مادر و نماد آموزش عالی در کشور تبدیل شد (www.ut.ac.ir).

در دانشکده الهیات و معارف اسلامی از این دانشگاه، در رشته «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» از مقطع کارشناسی و مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد تخصصی با عنوان «مطالعات اسلامی در غرب» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود که پیرامون استشراف است (www.ftis.ut.ac.ir).

در رشته «تاریخ و تمدن اسلامی» از مقطع دکترای تخصصی، دو واحد تخصصی با عنوان «شرق‌شناسی و مستشرقان» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود (www.ftis.ut.ac.ir).

در رشته «ادیان و عرفان اسلامی» از مقطع کارشناسی، چهار درس دو واحدی تخصصی الزامی با عنوان «متون دینی به زبان خارجی» در ۱۲۸ ساعت و دو درس با دو واحد تخصصی الزامی با عنوان «متون عرفانی به زبان خارجی» در ۶۴ ساعت تدریس می‌شود که به مقالات و متون مستشرقان در این زمینه می‌پردازند و همچنین دو واحد تخصصی اختیاری با عنوان «مطالعات اسلامی در غرب» در ۳۲ واحد تدریس می‌شود (www.ftis.ut.ac.ir).

در رشته «ادیان و عرفان اسلامی» از مقطع کارشناسی ارشد در دانشکده الهیات و معارف اسلامی در تهران و دانشکده الهیات و معارف اسلامی در پردیس فارابی در شهر قم، دو واحد تخصصی با عنوان «متون دینی به زبان خارجی» در ۳۲ ساعت و همچنین دو واحد تخصصی با عنوان «متون عرفانی به زبان خارجی» در ۳۲ ساعت تدریس می‌شود که به مقالات و متون نوشته و منتشر شده توسط مستشرقان در این زمینه پرداخته می‌شود (www.ftis.ut.ac.ir; www.farabi.ut.ac.ir).

همچنین در گرایش «کلام» از رشته «شیعه‌شناسی» در دانشکده الهیات و معارف اسلامی از پردیس فارابی در شهر قم، دو درس تخصصی دو واحدی با عنوان «زبان انگلیسی تخصصی» در ۶۴ ساعت تدریس می‌شود که در آن به مقالات نوشته و منتشر شده توسط مستشرقان پرداخته می‌شود (www.farabi.ut.ac.ir).

در رشته «علوم قرآن و حدیث» از مقطع کارشناسی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی از پردیس فارابی در شهر قم، دو درس تخصصی دو واحدی با عنوان «انگلیسی تخصصی علوم قرآن و حدیث» تدریس می‌شود که در آن به ترجمه و تحلیل مقالات نوشته و منتشر شده توسط مستشرقان پرداخته می‌شود (www.farabi.ut.ac.ir).

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۱، یک کرسی شیعه‌شناسی و یک کتابخانه تخصصی شیعه‌شناسی در بخش شیعه‌شناسی از دانشگاه مونستر آلمان با همکاری «پروفسور موناهاد خورشید» رئیس کرسی اسلام‌شناسی این دانشگاه راه‌اندازی کرده است (www.ftis.ut.ac.ir).

۲- دانشگاه فردوسی مشهد

دانشگاه فردوسی، یک دانشگاه دولتی است که در سال ۱۳۲۸ در شهر مقدس مشهد تأسیس شده است. این دانشگاه سومین دانشگاه در کشور جمهوری اسلامی ایران - پس از دانشگاه تهران و دانشگاه تبریز - به لحاظ قدمت است (www.um.ac.ir).

در دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری از این دانشگاه - که پیش از این به دانشکده معقول و منقول شهرت داشته - رشته علوم قرآن با گرایش مستشرقان در مقطع کارشناسی ارشد، تدریس می‌شود (www.um.ac.ir).

همچنین در مقطع کارشناسی از این دانشکده، در رشته علوم قرآن و حدیث (مجموعه اختیاری مطالعات قرآن)، درس تخصصی «تاریخ استشرق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» در دو واحد تدریس می‌شود (www.um.ac.ir).

۳- دانشگاه تبریز

دانشگاه تبریز در سال ۱۳۲۶ شمسی به خواست عمومی مردم با دو دانشکده: ادبیات و پزشکی در شهر تبریز راه‌اندازی شد و پس از انقلاب اسلامی ایران، توسعه فراوانی یافت و دارای شعبه‌هایی در داخل و خارج از کشور است (www.tabrizu.ac.ir).

در دانشکده الهیات و معارف اسلامی از این دانشگاه در رشته «فلسفه و کلام اسلامی» از مقطع کارشناسی ارشد، درس «زبان انگلیسی تخصصی» پیرامون فلسفه در دو واحد و درس «زبان تخصصی» درباره کلام در دو واحد تدریس می‌شود که در آن به متون و مقالات نوشته و منتشر شده توسط مستشرقان پرداخته می‌شود (www.tabrizu.ac.ir).

۴- دانشگاه امام صادق (ع)

دانشگاه امام صادق (ع) در سال ۱۳۶۱ شمسی در شهر تهران توسط «حضرت آیت الله محمدرضا مهدوی کنی» راه‌اندازی شد و هدف از تأسیس آن، تبدیل شدن به دانشگاه اسلامی مرجع است (www.isu.ac.ir).

در دانشکده الهیات و معارف اسلامی و ارشاد از این دانشگاه، در رشته «علوم قرآن و حدیث» از مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد تخصصی با عنوان «زبان تخصصی قرآن و حدیث» تدریس می شود که در آن به ترجمه و تحلیل مقالات نوشته و منتشر شده از سوی مستشرقان پرداخته می شود. همچنین در این رشته، درس «بررسی و نقد دیدگاه های مستشرقان» در دو واحد تدریس می شود (www.isu.ac.ir).

۵- دانشگاه تربیت مدرس

دانشگاه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۰ شمسی با نام «مدرسه تربیت مدرس» در شهر تهران راه اندازی شد و سپس در سال ۱۳۶۵ شمسی به «دانشگاه تربیت مدرس» ارتقاء یافت (www.modares.ac.ir). در رشته «علوم قرآن و حدیث» از مقطع کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی در دانشکده علوم انسانی از این دانشگاه، درس «زبان تخصصی» در دو واحد تدریس می شود که به ترجمه و بررسی مقالات انگلیسی نوشته و منتشر شده توسط مستشرقان در زمینه قرآن و حدیث می پردازد (www.modares.ac.ir).

در رشته «علوم قرآن و حدیث» از مقطع دکترای تخصصی نیز درس «مطالعات قرآنی و حدیثی خاورشناسان» در دو واحد تدریس می شود. همچنین درس «نقد آرای معاصران درباره قرآن» و درس «نقد آرای معاصران درباره حدیث» نیز تدریس می شود که یکی از سرفصل های این دو درس، مستشرقان است (www.modares.ac.ir).

۶- دانشگاه اصفهان

دانشگاه اصفهان، دانشگاهی دولتی است که در سال ۱۳۲۵ شمسی در شهر اصفهان تأسیس شده و پس از انقلاب اسلامی ایران توسعه یافته و به بزرگ ترین دانشگاه در منطقه مرکز کشور جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است (www.ui.ac.ir).

در دانشکده اهل بیت (ع) از این دانشگاه در رشته «امام شناسی و معارف ائمه (ع)» در مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد تخصصی با عنوان «استشراق و امام شناسی» تدریس می شود (www.ahl.ui.ac.ir).

در دانشکده ادبیات و علوم انسانی از این دانشگاه براساس بخشنامه جدید از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، رشته «علوم قرآن و حدیث» «اختیاری مطالعات قرآنی» از مقطع کارشناسی، دو واحد تخصصی با عنوان «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» تدریس می شود (www.ltr.ui.ac.ir).

۷- دانشگاه مازندران

دانشگاه مازندران، بزرگ‌ترین مرکز آموزش عالی در استان مازندران است که در سال ۱۳۵۸ شمسی، با تصویب شورای عالی انقلاب به صورت رسمی در شهر بابلسر تأسیس شد (www.umz.ac.ir). در دانشکده الهیات و معارف اسلامی این دانشگاه در رشته «علوم قرآن و حدیث» (اختیاری مطالعات قرآن) در مقطع کارشناسی، دو واحد تخصصی با عنوان «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» تدریس می‌شود (www.theology.umz.ac.ir). همچنین در گرایش «منابع و متون اسلامی» در رشته «الهیات و معارف اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد از این دانشکده، دو واحد درس تخصصی با عنوان «قرآن و شبهات مستشرقان» تدریس می‌شود (www.theology.umz.ac.ir).

در گرایش «علوم قرآن و حدیث» در رشته «الهیات و معارف اسلامی» در مقطع دکترای تخصصی، دو واحد درس تخصصی با عنوان «نقد و بررسی آرای معاصران (خاورشناسان و غیر خاورشناسان) درباره قرآن» تدریس می‌شود (www.theology.umz.ac.ir).

۸- دانشگاه علامه طباطبایی

پس از انقلاب اسلامی ایران و براساس نیاز به ایجاد یک دانشگاه تخصصی در حیطه علوم انسانی و اجتماعی در کشور، از تجمیع مراکز آموزش عالی مستقل با عناوین دانشگاه، دانشکده، پژوهشکده، مدرسه عالی، آموزشگاه عالی، مؤسسه، مرکز و سازمان که از سال ۱۳۳۷ شمسی به تدریج تأسیس شده بودند، دو مجتمع دانشگاهی با عناوین مجتمع دانشگاهی ادبیات و علوم انسانی و مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی تشکیل شد. این مجتمع‌ها هر یک تحت مدیریت مستقل، بیش از پنج سال فعالیت کرده و در ۱۶ تیر ماه سال ۱۳۶۳ شمسی براساس موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی، از ادغام آن‌ها دانشگاه علامه طباطبایی تأسیس شد (www.tisd.ac.ir).

در گرایش مطالعات قرآن از رشته «علوم قرآن و حدیث» در مقطع کارشناسی از دانشکده الهیات و معارف اسلامی از این دانشگاه، دو واحد تخصصی با عنوان «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» تدریس می‌شود (www.tisd.ac.ir).

همچنین در رشته «علوم قرآن و حدیث» از مقطع کارشناسی ارشد در این دانشکده، درس تخصصی «بررسی آراء و نظرات جدید در حوزه قرآن و حدیث»، سرفصلی با عنوان «معرفی قرآن‌پژوهان و حدیث‌پژوهان معاصر و آثار آن‌ها» وجود دارد که دو زیرسرفصل با عنوان «مستشرقان» و «مسلمانان» دارد (www.tisd.ac.ir).

همچنین در گرایش «قرآن و متون اسلامی (آشنایی با منابع اسلامی)» رشته «مدرسی معارف اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد درس تخصصی با عنوان «قرآن و شبهات مستشرقان» تدریس می‌شود (www.tisd.ac.ir).

همچنین در مقطع دکتری تخصصی این دانشگاه در رشته «علوم قرآن و حدیث» در درس «نقد و بررسی آرای معاصران درباره قرآن»، سرفصلی با عنوان «مستشرقان» وجود دارد که به تحلیل و بررسی آرای آنان پرداخته می‌شود (www.tisd.ac.ir).

۹- دانشگاه شهید بهشتی

دانشگاه شهید بهشتی یکی از دانشگاه‌های دولتی در ایران است که در بهمن ماه سال ۱۳۳۸ شمسی با نام «دانشگاه ملی ایران» در منطقه اولین در غرب ولنجک و شرق درکه در شمال غربی تهران تأسیس شد و سپس به نام «شهید بهشتی» مزین گشت (www.sbu.ac.ir). در برخی از دروس این دانشگاه، مطالب مرتبط با استشراق به چشم می‌خورد. از جمله در دانشکده الهیات و ادیان از این دانشگاه، در رشته «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد تخصصی با عنوان «اسلام‌شناسی در غرب» تدریس می‌شود (www.sbu.ac.ir).

۱۰- دانشگاه آزاد اسلامی

دانشگاه آزاد اسلامی یکی از بزرگ‌ترین مراکز آموزشی و پژوهشی در ایران (اولین) و جهان (پنجمین) است که در ۳۱ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۱ شمسی به پیشنهاد «حجت الإسلام و المسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی» و با حمایت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد و امروزه در بسیاری از شهرهای ایران دارای مرکز و واحد علمی است (www.iau.ac.ir).

در شعبه‌های فراوانی از این دانشگاه در شهرهای سراسر کشور، دروس و سرفصل‌های مرتبط با استشراق تدریس می‌شود. از جمله در دانشکده علوم انسانی از این دانشگاه در واحد قم در گرایش «تاریخ و تمدن ملل اسلامی» از رشته «الهیات و معارف اسلامی» در مقطع دکتری تخصصی، دو واحد تخصصی با عنوان «شرق‌شناسی و مستشرقان» تدریس می‌شود (www.qom-iau.ac.ir).

همچنین در رشته «قرآن و حدیث» در مقطع دکتری تخصصی از این دانشکده و دانشکده ادبیات و علوم انسانی در واحد تهران مرکزی، دو واحد تخصصی با عنوان «نقد و بررسی آرای معاصران درباره قرآن» تدریس می‌شود که سرفصل اول آن، مستشرقان است (www.qom-iau.ac.ir; www.literature.iauctb.ac.ir).

در دانشکده ادبیات و علوم انسانی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، در رشته «تاریخ» مقطع کارشناسی، دو درس دو واحدی با عنوان «قرائت متون تاریخ به زبان خارجی» و در رشته «تاریخ اسلام» با گرایش «تاریخ ایران اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد و در رشته «تاریخ» با گرایش «تاریخ اسلام» در مقطع کارشناسی ارشد، درس «زبان خارجی با تکیه بر ترجمه متون تاریخی» در دو واحد تدریس می‌شود که در آن‌ها، به ترجمه و تحلیل مقالات انگلیسی نوشته شده و منتشر شده توسط مستشرقان پرداخته می‌شود (www.literature.iauctb.ac.ir).

۱۱- دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور، دانشگاهی با هویت اسلامی - ایرانی است که در سال ۱۳۶۷ شمسی پس از تجمیع امکانات دانشگاه آزاد ایران و ابوریحان بیرونی به عنوان تنها دانشگاه آموزش باز و از راه دور در جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد (www.pnu.ac.ir).
در شعبه‌های زیادی از این دانشگاه در سراسر کشور، دروس و سرفصل‌های مرتبط با استشراف، تدریس می‌شود. از جمله در گرایش «قرآن و متون اسلامی (آشنایی با منابع اسلامی)» از رشته مدرسی معارف اسلامی در مقطع دکترای تخصصی از این دانشگاه، دو واحد تخصصی نظری با عنوان «قرآن و مستشرقان» تدریس می‌شود (www.pnu.ac.ir).
در مقطع دکترای تخصصی از این دانشگاه در رشته «قرآن و حدیث»، دو واحد تخصصی نظری با عنوان «نقد و بررسی آرای معاصران درباره قرآن» تدریس می‌شود که سرفصل اول آن، مستشرقان است (www.pnu.ac.ir).
همچنین در گرایش «تاریخ تشیع» از رشته «تاریخ» در مقطع کارشناسی ارشد نیز دو واحد تخصصی نظری با عنوان «تشیع در آثار مستشرقان» تدریس می‌شود (www.pnu.ac.ir).

۱۲- دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)

دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، در سال ۱۳۶۴ شمسی به عنوان مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم (علیه السلام)، در شهر قم زیر نظر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم شروع به کار کرد و در سیزدهم اسفند ماه سال ۱۳۸۴ شمسی، با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تبدیل به دانشگاه شد (www.bou.ac.ir).

در رشته «مدرسی معارف اسلامی» با گرایش‌های: «انقلاب اسلامی»، «تاریخ و تمدن اسلامی»، «مبانی نظری اسلام» و «اخلاق اسلامی» در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی از دانشکده اخلاق و معارف اسلامی از این دانشگاه، دو واحد زبان تخصصی تدریس می‌شود که در

آن، مقالات انگلیسی از دائرة المعارف اسلام لیدن (عدالت‌نژاد، دایرة المعارف اسلام، ضمن «دانشنامه جهان اسلام»، ۱۳۹۳: ۱۷) و دائرة المعارف قرآن لیدن (برای شناخت آن ر.ک: رضایی اصفهانی، محمدعلی، بررسی دائرة المعارف قرآن لیدن) و دائرة المعارف قرآن الیور لیمن (برای شناخت آن ر.ک: رضایی اصفهانی، اعتصامی، معرفی و بررسی دائرة المعارف قرآن اولیور لیمن، ۱۳۸۸: ۲۹) (نوشته و نشر یافته توسط مستشرقان) ترجمه و تحلیل می‌شود (www.bou.ac.ir).

۱۳- دانشگاه معارف اسلامی

دانشگاه معارف اسلامی، یکی از زیرمجموعه‌های نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها است که در دهه ۸۰ شمسی در شهر قم تأسیس شده و از میان برادران و خواهران طلبه و غیر طلبه در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی، دانشجو می‌پذیرد.

در دانشکده مطالعات اسلامی از این دانشگاه، در گرایش «قرآن و متون اسلامی (آشنایی با منابع اسلامی)» از رشته «مدرسی معارف اسلامی» در مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد تخصصی نظری با عنوان «قرآن و شبهات مستشرقان» و در مقطع دکترای تخصصی، دو واحد درس تخصصی با عنوان «قرآن و مستشرقان» تدریس می‌شود (www.maaref.ac.ir).

همچنین در این گرایش و در گرایش‌های «مبانی نظری اسلام» و «اخلاق اسلامی» از دانشکده مطالعات اسلامی و در گرایش‌های «انقلاب اسلامی»، «مدیریت فرهنگی» و «جامعه‌شناسی انقلاب اسلامی ایران» از دانشکده مطالعات انقلاب اسلامی و در گرایش‌های «تاریخ و تمدن اسلامی»، «فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» و «تاریخ تشیع» از دانشکده مطالعات تاریخ و تمدن اسلامی، دو واحد درس «زبان تخصصی» تدریس می‌شود که در آن، به ترجمه و تحلیل مقالات انگلیسی در دائرة المعارف اسلام لیدن، دائرة المعارف قرآن لیدن و دائرة المعارف قرآن الیور لیمن - که توسط مستشرقان نوشته و منتشر شده - پرداخته می‌شود (www.maaref.ac.ir).

۱۴- دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم یکی از دانشگاه‌های بزرگ و فعال در عرصه علوم و معارف قرآن کریم است که از زیرمجموعه‌های سازمان اوقاف و امور خیریه در کشور جمهوری اسلامی ایران به شمار رفته و مجوز خودش را در سال ۱۳۸۷ شمسی از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کشور جمهوری اسلامی ایران دریافت کرده و در بسیاری از استان‌های کشور دارای شعبه فعال است بوده و در مقاطع: کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی دانشجو پذیرش دارد (www.quran.ac.ir).

در شعبه های این دانشگاه در سراسر کشور جمهوری اسلامی ایران، در رشته «تفسیر و علوم قرآن» از مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد درس «قرآن و مستشرقان» تدریس می شود (www.quran.ac.ir).

همچنین براساس مصوبه جدید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در مقطع کارشناسی از این دانشگاه، در رشته «علوم قرآن و حدیث»، درس «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» در دو واحد تدریس می شود (www.quran.ac.ir).

۱۵- دانشگاه قرآن و حدیث

دانشگاه قرآن و حدیث، از ارکان مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث است که یک مؤسسه آموزش عالی غیر دولتی و غیر انتفاعی به شمار می رود و از سال ۱۳۷۸ شمسی با مجوز شورای عالی انقلاب فرهنگی، فعالیت آموزشی خود را در قالب دانشکده علوم حدیث شروع کرد و با مجوز رسمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۹۲ شمسی تبدیل به دانشگاه شده است. این دانشگاه در شهرهای: قم، مشهد، اصفهان و تهران، شعبه دارد (www.qhu.ac.ir).

در دانشگاه قرآن و حدیث، رشته «علوم قرآن» با گرایش «مستشرقان» در مقطع کارشناسی ارشد به صورت مجازی در حال تدریس است که دروس تخصصی: «دوره های استشراق»، «مستشرقان و علوم قرآن (۱)»، «مستشرقان و علوم قرآن (۲)»، «مستشرقان و سنت» و «مستشرقان و تفسیر قرآن» و درس اختیاری «مستشرقان و شیعه و اهل بیت (علیهم السلام)» در آن تدریس می شوند (www.qhu.ac.ir).

در گرایش «اعجاز» از رشته «علوم قرآن» در مقطع کارشناسی ارشد به صورت حضوری، درس «قرآن و مستشرقان» در دو واحد تدریس می شود (www.qhu.ac.ir). همچنین در مقطع کارشناسی از این دانشگاه، در رشته «علوم قرآن و حدیث»، درس «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» در دو واحد به صورت حضوری و مجازی تدریس می شود (www.qhu.ac.ir).

همچنین در مقطع دکترای تخصصی از این دانشگاه در رشته «علوم قرآن و حدیث» در درس «نقد و بررسی آرای معاصران درباره قرآن»، سرفصلی با عنوان «مستشرقان» وجود دارد که به تحلیل و بررسی آرای آنان پرداخته می شود (www.qhu.ac.ir).

در رشته های «علوم و معارف نهج البلاغه»، «علوم قرآن و حدیث»، «مدرسی معارف اسلامی» با گرایش «قرآن و متون»، «مدرسی معارف اسلامی» با گرایش «اخلاق اسلامی» و «کلام امامیه» از مقطع دکترای تخصصی و رشته های «علوم قرآن و حدیث»، «فقه و مبانی حقوق اسلامی»، «علوم حدیث» با گرایش «کلام و عقاید»، «علوم حدیث» با گرایش «تفسیر اثری»،

«علوم حدیث» با گرایش «نهج البلاغه»، «علوم و معارف نهج البلاغه»، «علوم حدیث» با گرایش اخلاق»، «نهج البلاغه» با گرایش «اجتماعی، سیاسی و حقوق عمومی»، «تفسیر روایی»، «علوم حدیث» با گرایش «اقتصاد اسلامی»، «علوم حدیث» با گرایش «عرفان اسلامی»، «علوم قرآنی» با گرایش «ادبی»، «کلام امامیه»، «شیعه‌شناسی» با گرایش «کلام» و «علوم قرآنی» با گرایش «مستشرقان» از مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد درسی با عنوان «زبان تخصصی» تدریس می‌شود که در آن، مقالات انگلیسی از دائرة المعارف اسلام و دائرة المعارف قرآن (که توسط مستشرقان نوشته و منتشر شده) ترجمه و تحلیل می‌شود (www.qhu.ac.ir).

۱۶- دانشگاه معارف قرآن و عترت ع

دانشگاه معارف قرآن و عترت ع، یک نهاد غیر دولتی است که در ابتدا با عنوان دارالقرآن الکریم اصفهان با اهتمام «حجت الإسلام و المسلمین مهدی مظاهری» در سال ۱۳۶۷ شمسی در شهر اصفهان تأسیس شد و پس از یک سال با عنوان دانشکده معارف قرآنی اصفهان به کار خودش ادامه داد و سرانجام در سال ۱۳۹۱ شمسی، با مجوز شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به دانشگاه معارف قرآن و عترت ع تبدیل شد (www.icqt.ac.ir).

در این دانشگاه در رشته تفسیر و علوم قرآن از مقطع کارشناسی ارشد، دو واحد تخصصی با عنوان «قرآن و مستشرقان» تدریس می‌شود (www.icqt.ac.ir).

همچنین در رشته علوم قرآن و حدیث (مطالعات قرآن) از مقطع کارشناسی، دو واحد با عنوان «تاریخ استشراق و سیر تحول مطالعات قرآنی در غرب» تدریس می‌شود (www.icqt.ac.ir).

همچنین در رشته علوم قرآن و حدیث (مطالعات حدیث) از مقطع کارشناسی، در درس «مطالعات حدیثی معاصر»، سرفصلی با عنوان «مستشرقان و حدیث» تدریس می‌شود (www.icqt.ac.ir).

۱۷- دانشکده اصول دین

دانشکده اصول دین، یک مرکز علمی غیر دولتی و غیر انتفاعی است که توسط «حضرت آیت الله علامه سید مرتضی عسکری» در سال ۱۳۸۴ قمری در شهر بغداد از کشور عراق تأسیس شد و به دلیل مصادره این دانشکده توسط «صدام حسین»، شعبه جدید آن در سال ۱۳۷۵ شمسی، در شهر قم تأسیس شد و سپس در سال ۱۳۷۶، در تهران و دزفول و در سال ۱۳۹۱ شمسی در ساوه نیز شعبه زد (www.osool.ac.ir).

در این دانشکده در رشته شیعه‌شناسی از مقطع کارشناسی، دو واحد درس تخصصی «شیعه در نگاه دیگران» وجود دارد که یکی از سرفصل‌های اصلی آن، «شیعه در نزد مستشرقین» بوده و زیرسرفصل‌های آن، نویسندگان روس؛ نویسندگان اروپا؛ نویسندگان آمریکا است (www.osool.ac.ir).

در گرایش «تاریخ تشیع» از رشته «شیعه‌شناسی» در مقطع کارشناسی ارشد از این دانشکده، دو واحد درس با عنوان «شیعه در آثار مستشرقان» در ۳۲ ساعت، تدریس می‌شود (www.osool.ac.ir). همچنین در رشته «علوم قرآن و حدیث اسلامی» از مقطع کارشناسی ارشد از این دانشکده، در درس تخصصی «بررسی آراء و نظرات جدید در حوزه قرآن و حدیث»، سرفصلی با عنوان «معرفی قرآن پژوهان و حدیث پژوهان معاصر و آثار آن‌ها» وجود دارد که دارای دو زیرسرفصل با عنوان «مستشرقان» و «مسلمانان» است (www.osool.ac.ir). همچنین در رشته «علوم قرآن و حدیث» از مقطع دکترای تخصصی از این دانشکده، در درس تخصصی «نقد و بررسی آرای معاصران درباره قرآن»، سرفصل اول آن، مستشرقان است که به بررسی اهداف مستشرقان در رویکرد به قرآن؛ روش مطالعاتی و استدلال و نتیجه‌گیری آنان؛ نوآوری‌های آنان در مباحث قرآنی پرداخته می‌شود (www.osool.ac.ir).

۱۸- مؤسسه رهپویان سیدالشهداء (علیه السلام)

مؤسسه آموزش عالی رهپویان سیدالشهداء (علیه السلام)، مرکز غیر دولتی و غیر انتفاعی جهت آموزش عالی تفسیر و علوم قرآن در مقاطع: کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد برای خواهران است که مجوز خود را از وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در سال ۱۳۹۲ شمسی دریافت کرده است (www.rahpooyan.ac.ir). در درس «شیعه در نگاه دیگران» از رشته شیعه‌شناسی در مقطع کارشناسی از این مؤسسه، سرفصل دوم آن، «شیعه در نزد مستشرقان» است که زیرسرفصل آن، نویسندگان روس، نویسندگان اروپا و نویسندگان آمریکا است (www.rahpooyan.ac.ir).

س) بایسته‌های توسعه در آموزش استشراف

در دروس، رشته‌ها و گرایش‌هایی که پیرامون استشراف در جمهوری اسلامی ایران، تدریس می‌شود، برخی از مباحث - مانند قرآن، حدیث، تاریخ اسلام، پیامبر اسلام، تاریخ تشیع، تاریخ اهل بیت (علیهم السلام)، مهدویت، امامت و - مورد توجه بیشتری بوده؛ ولی متأسفانه بعضی از مباحث مهم دیگری - مانند فقه اسلامی، فقه شیعی، اصول فقه، فلسفه اسلامی، حقوق اسلامی، کلام اسلامی، کلام شیعی، عرفان اسلامی، عرفان شیعی، اخلاق اسلامی، تربیت اسلامی، فرهنگ اسلامی، فرهنگ شیعی، تمدن اسلامی، تمدن شیعی، مرجعیت پژوهی، ولایت فقیه، محرم‌پژوهی، عاشوراپژوهی، کربلاپژوهی، حج، عمره، زیارت‌پژوهی، مکه، مدینه، سیاست اسلامی، حکومت اسلامی، مدیریت اسلامی، اقتصاد اسلامی، ارتباطات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی، مشهد، قم، اصفهان، صفویه و ... - که مستشرقان در این مسائل نیز کار کرده و آثار مهمی

دارند و برای ما ایرانیان نیز مهم به شمار می‌رود، حرکت جدی و مؤثر در کشور ایران دیده نشده است. به همین جهت بر اندیشمندان، فعالان عرصه استشراق و مسئولان لازم است که در این موارد نیز ورود جدی داشته باشند.

یکی از خلأهای اساسی در زمینه استشراق در کشور جمهوری اسلامی ایران، نبودن یک مرکز علمی مستقل در زمینه استشراق است. شایسته و لازم است که مرکزی آموزشی و مرکزی پژوهشی پیرامون استشراق و مسائل مرتبط با آن تأسیس شود و به صورت هدفمند، روشمند و مستقل موضوعات و مسائل مربوط به استشراق دنبال شود. مهم‌ترین و حساس‌ترین شبهات در زمینه اسلام، قرآن و تشیع، از سوی مستشرقان صادر می‌شود و نداشتن یک مرکز تخصصی و مستقل فعال در این زمینه، جوامع اسلامی و شیعی را در این حوزه، منفعل و ناکارآمد جلوه می‌دهد.

به طور قطع، تا غریبان اطلاع کافی و دقیقی از شرق، اسلام، قرآن و تشیع نداشته باشند، به دین اسلام نخواهند گروید. به همین جهت، بهترین مصداق برای دعوت به خدای سبحان در آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت/ ۳۳) همان تسهیل برای غریبان جهت شناخت درست این امور است.

رساندن منابع کامل و دقیق به غریبان جهت شناخت شرق، اسلام، قرآن و تشیع، مبتنی بر شناخت نقاط قوت و ضعف آنان و همچنین نقاط آگاهی و جهل آنان است و این تنها با مطالعات در زمینه استشراق امکان‌پذیر است.

نتیجه

هر چند پیش از انقلاب اسلامی ایران، آموزش‌هایی در زمینه استشراق و مطالعات مستشرقان پیرامون خاورپژوهی صورت می‌گرفته است؛ ولی با رخداد این انقلاب، تحول بزرگی در کمیت و کیفیت استشراق رخ داد. این انقلاب با رسالت بزرگی که به دنبال داشت و با تعاملی که با کشورها و اشخاص خارجی داشت، توانست مراکز و اشخاص زیادی را به سوی آموزش استشراق جذب نماید و بدین ترتیب، قلمرو حرکت‌ها و فعالیت‌های استشرافی در جهان، توسعه گسترده‌ای یافت. ایجاد کرسی‌های مباحث مرتبط با شرق، رایزنی با مستشرقان، تأسیس مراکز فعال در عرصه استشراق خارج از کشور، بستر را برای گسترش آموزش استشراق فراهم کرد. همچنین در این کشور، مراکز زیادی به آموزش در زمینه استشراق مبادرت کردند و حتی سبب ورود مستشرقان به این کشور جهت آشنایی با شرق و امور مرتبط با آن شده است. فرصت‌های مطالعاتی و آموزش‌های کوتاه مدت از جمله مصادیق بارز در این زمینه هستند.

منابع

۱. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش.
۲. بدیعی، ربیع، جغرافیای مفصل ایران، جلد اول، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۲ش.
۳. جمعی از مؤلفان، مجموعه مقالات همایش بین المللی قرآن و مستشرقان، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ، ۱۳۹۱ش.
۴. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی / اعتصامی، سید مهدی، معرفی و بررسی دائرة المعارف اولیور لیمن، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، شماره هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸ش.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، بررسی دائرة المعارف قرآن لیدن، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۸۵ش.
۷. طوفانی، ابوذر، اهداف، ساختار و فعالیت های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش.
۸. عدالت نژاد، سعید، دایرة المعارف اسلام، ضمن جلد ۱۷ از «دانشنامه جهان اسلام»، تهران: انتشارات بنیاد دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳ش.
۹. مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآنی کشور، بازنگری در رشته های علوم قرآنی و حدیث، تهران: انتشارات مرکز هماهنگی و توسعه پژوهش و آموزش عالی قرآن کشور، ویرایش اول، دی ماه ۱۳۹۴ش.
۱۰. معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معرفی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران: انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۸۷ش.
۱۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱ش.
۱۲. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام خمینی (قدس سره)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، ۱۳۷۹ش.

- | | |
|--|--|
| 18. www.icqt.ac.ir . | 13. www.ahl.ui.ac.ir . |
| 19. www.iiis.ir . | 14. www.ahl-ul-bayt.org . |
| 20. www.iki.ac.ir . | 15. www.bou.ac.ir . |
| 21. www.iri.dte.ir . | 16. www.iau.ac.ir . |
| 22. www.islamic-college.ac.uk . | 17. www.icro.ir . |

40. www.qom-iau.ac.ir.
41. www.quran.ac.ir.
42. www.quran.imam.miu.ac.ir.
43. www.quran.msrt.ir.
44. www.tabrizu.ac.ir.
45. www.taghrib.com.
46. www.tarikh.imam.miu.ir.
47. www.tisd.ac.ir.
48. www.theology.umz.ac.ir.
49. www.rahpooyan.ac.ir.
50. www.sbu.ac.ir.
51. www.shiastudies.com.
52. www.ui.ac.ir.
53. www.um.ac.ir.
54. www.umz.ac.ir.
55. www.ut.ac.ir.
56. www.whc.ir.
23. www.isu.ac.ir.
24. www.farabi.ut.ac.ir.
25. www.ftis.ut.ac.ir.
26. www.khamenei.ir.
27. www.literature.iauctb.ac.ir.
28. www.ltr.ui.ac.ir.
29. www.maaref.ac.ir.
30. www.mahdi313.org.
31. www.miu.ac.ir.
32. www.modares.ac.ir.
33. www.msrt.ir.
34. www.mt.ismc.ir.
35. www.mtq.dqat.ir.
36. www.osool.ac.ir.
37. www.pnu.ac.ir.
38. www.qhu.ac.ir.
39. www.qkh.journals.miu.ac.ir.

بررسی دیدگاه‌های مستشرقان درباره نسخ آیات قرآن*

محمدعلی رضایی اصفهانی** و حامد شاهبیک***

چکیده

در این نوشتار دیدگاه‌های مستشرقان درباره ماهیت نسخ آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفته است و شش دیدگاه غلط آنها نسبت به ماهیت نسخ نقد شده است. دیدگاه‌هایی که در این پژوهش بررسی و نقد شده عبارت است از: ۱. معرفی نسخ به عنوان راه حل تعارضات قرآن؛ ۲. معرفی اختلاف قرآن و فقه و اختلاف فتاوا به عنوان منشأ اندیشه نسخ؛ ۳. معرفی نسخ به عنوان راهی برای اصلاح و تعدیل اشتباهات قرآن؛ ۴. معرفی فراموشی پیامبر ﷺ به عنوان علت اندیشه نسخ؛ ۵. نسخ را نوعی تبدیل بی ضابطه و دل‌خواه احکام دانستن و ۶. معرفی نسخ به عنوان توجیه کننده بی انضباطی در جمع قرآن. همچنین در ضمن نقد این دیدگاه‌ها، شبهات دیگری مانند ادعای تناقض در قرآن، تشکیک در وحیانی و آسمانی بودن قرآن، ادعای تحریف در قرآن، نسبت فراموشی به پیامبر اعظم ﷺ و نظرات نادرست آن‌ها پیرامون جمع قرآن مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نسخ، نسخ قرآن، مستشرقان، ناسخ، منسوخ، نسیان وحی.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۵ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۱۰/۱۶.

** استاد جامعه الصمصافی رحمته الله علیه العالمية و عضو هیئت علمی پاره وقت مرکز پژوهشی قرآن کریم المهدی: rezae@quransc.com

*** کارشناسی ارشد تخصصی تفسیر و علوم قرآنی، قم: hsh25100@gmail.com

مقدمه

مطالعات قرآنی مستشرقان، مورد توجه مجامع مختلف قرار گرفته است و گاهی قرآن با همین رویکردها در دنیا معرفی می‌شود. یکی از مسائل مهم و کاربردی در مطالعات قرآنی مسأله نسخ است در این مسأله دیدگاه‌های متفاوتی در بین اندیشمندان اسلامی وجود دارد. از طرفی شبهات مستشرقان در رابطه با نسخ آیات قرآن از جدی‌ترین شبهاتی است که در آثار مختلف آن‌ها دیده می‌شود. این شبهات، حقانیت کلام خدا را مورد خدشه قرار داده و زمینه‌ساز تزلزل در اعتقادات مسلمانان و به خصوص نسل جوان شده است؛ بنابراین پاسخ علمی و متقن به این شبهات برای دفاع از حقانیت قرآن و مصونیت بخشی اعتقادات مسلمانان ضروری است. معرفی نسخ به عنوان راه حل تعارضات قرآن، معرفی اختلاف قرآن و فقه و اختلاف فتاوا به عنوان منشأ اندیشه نسخ، معرفی نسخ به عنوان راهی برای اصلاح و تعدیل اشتباهات قرآن، معرفی فراموشی پیامبر ﷺ به عنوان علت اندیشه نسخ، تبدیل بی ضابطه و دل‌خواه دانستن نسخ و معرفی نسخ به عنوان توجیه کننده بی انضباطی در جمع قرآن، شش دیدگاه غلطی است که مستشرقان در مواجهه با مسأله نسخ داشته‌اند. این پژوهش در پی نقد دیدگاه‌های مستشرقان در مورد نسخ آیات قرآن است. این نوشتار طبق دو مبنای نسخ مصطلح و نسخ تمهیدی و مشروط به پاسخ شبهات خاورشناسان پرداخته شده است.

مفهوم شناسی

تعریف نسخ

مسأله «نسخ» از قدیمی‌ترین مسائل علوم قرآن است که ریشه در آیات قرآن و احادیث دارد. مفهوم نسخ از مفاهیمی است که در طول تاریخ تطوراتی داشته است و در همین راستا دیدگاه‌های دانشمندان نیز در قبول و انکار آن و شمارگان آیات منسوخ متحول شده است.

نسخ در لسان قداماء به معنای گسترده‌ای به کار رفته و شامل هر گونه تغییر در حکم، اعم از تخصیص، تقیید، استثناء و نسخ مصطلح می‌شود، اما کم‌کم تعبیر دقیق‌تری به کار رفت و مرز بین نسخ مصطلح از غیر آن کاملاً جدا شد. بهترین تعریفی که از نسخ مصطلح ارائه شده است این تعریف است: «نسخ عبارت است از برداشتن حکمی که که علی الظاهر دائمی بوده، به وسیله یک حکم جدید، که به گونه‌ای که هم زمان بودن هر دو حکم ممکن نباشد؛ خواه این عدم امکان به خاطر این باشد که این دو حکم در ذات با هم منافات دارند و یا اینکه دلیل دیگری همچون اجماع یا تصریح شریعت باشد (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۲/ ۲۷۱).

این نوع نسخ به سه حالت قابل تصور است: «رفع حکم و تلاوت» و «رفع تلاوت و بقای حکم» و «رفع حکم و بقای تلاوت». از این موارد نسخ تلاوت کاملاً مردود شمرده شده است اما نسخ به معنای «رفع حکم و بقای تلاوت» با اینکه مورد قبول مشهور علمای اسلام قرار گرفته ولی موارد وقوع آن بسیار کم گزارش شده است. استاد معرفت در التمهید نسخ هشت آیه (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۲/۳۱۶-۲۹۹)، زرقانی نسخ هفت آیه (زرقانی، زرکشی، ۲/۲۶۹-۲۵۵)، آیت الله سبحانی نسخ دو آیه (سبحانی، الموجز فی اصول الفقه، ۱۴۲۲: ۱/۲۱۴)، آیت الله خویی نسخ تنها یک آیه (خویی، البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۳۰: ۳۷۷) را پذیرفته‌اند. حتی آیت الله معرفت در نوشته‌های اخیر و گفتارهای شفاهی به کلی نسخ مصطلح را در قرآن انکار کرده است و نظریه نسخ تدریجی، مشروط و تمهیدی را مطرح کرده است (معرفت، بینات، ۱۳۸۳: ۴۴/۱۰۶).

مقصود از نسخ مشروط آن است که با تغییر شرایط، حکم سابق نسخ شود، ولی با اعاده شرایط گذشته، حکم منسوخ قابل بازگشت باشد (همان، ۱۰۱). و نسخ تمهیدی هم عبارت است از همراهی اولیه قرآن با برخی از عادات جاهلی و تصحیح تدریجی آن (همان، ۷۱) علی‌رغم این تطورات در مفهوم نسخ و ضرورت جداسازی آیات منسوخ طبق هر کدام از این مبانی، شاهد این هستیم که مستشرقان نسخ را مستمسکی برای طرح شبهات در مورد قرآن قرار داده‌اند.

در این نوشتار دیدگاه‌های مستشرقان درباره ماهیت نسخ آیات قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. و شش نگاه نادرست ایشان به ماهیت نسخ مورد نقد قرار گرفته است و در ضمن نقد این دیدگاه‌ها شبهاتی مانند ادعای تناقض در قرآن، تشکیک در وحیانی بودن قرآن، ادعای تحریف در قرآن، نسبت فراموشی به پیامبر اعظم ﷺ و نظرات نادرست آن‌ها پیرامون جمع قرآن مورد نقد قرار گرفته است.

دیدگاه‌های مستشرقان درباره ماهیت نسخ آیات قرآن

دیدگاه اول. معرفی نسخ به عنوان راه‌حلی برای تعارضات قرآن

۶۵ مستشرقان برای تخطئه قرآن همواره به دنبال مواردی می‌گردند که بتوانند ادعای تناقض در قرآن را اثبات کنند (معرفت، شبهات ورود حول القرآن الکریم، ۱۴۲۳: ۳۱۰) تا از این طریق آسمانی بودن آن را زیر سؤال ببرند. از این‌رو مسئله نسخ را مستمسکی برای این ادعا دیده‌اند.

نولدکه مستشرق معروف آلمانی می‌گوید: «تمام همت مفسران متأخر، رهایی از تناقضات متعددی است که در قرآن وجود دارد... و این مفسران یا توانسته‌اند این تناقضات را حل کنند و یا در آیاتی که تناقض شدیدی با هم داشته‌اند، به نسخ اعتراف کرده‌اند» (المقدادی، الاسلام و شبهات

المستشرقین، بی تا: ۲۴۳) بلاشر می گوید: مصحف عثمانی در بدو امر حاوی تناقضات غیر قابل حلی به نظر می رسد... این مخالفت ها از همان دوران حیات محمد ﷺ احساس شده بود. از همان ابتداء روشی به وجود آمد موسوم به «ناسخ و منسوخ» طبق این روش، هر گونه مقرراتی که مغایر با وحی بعدی باشد، بی اعتبار و قدیمی شناخته می شود (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۷۴: ۲۶۸). جان بُرتن می گوید: «نسخ یا الناسخ والمنسوخ، عنوان کلی است که به مجموعه ای از نظریات و آرائی که در حوزه تفسیر، حدیث و اصول فقه جریان دارند، اشاره دارد. این تئوری ها به علت وجود تعارض های زیاد و کلی بین دو آیه، دو حدیث، یک حدیث و یک آیه، همچنین بین قرآن و حدیث با فقه، پایه گذاری شده اند» (برتِن، پیام جاویدان، ۱۳۸۷: ۵۹/۸) در جای دیگر می گوید: «کتاب الهی حاوی تناقضات، نمی تواند راهگشای زندگی بشر باشد، لذا باید این تناقضات حل شوند و کلید حل آن ها نیز مطالعه تاریخی آن ها (براساس ترتیب زمانی) می باشد» (همان).

بنابر نظر مستشرقان قرآن متنی است دارای تناقض و اندیشه نسخ می تواند دلیل بر تعارض باشد. قرآن! در حالی که نه در قرآن تعارضی وجود دارد و نه مسأله نسخ می تواند دلیل بر تعارض باشد.

قرآن کریم تنها منبع و مرجع صحیح و تحریف نشده آسمانی است که از هر گونه باطلی از جمله تناقض مبرا است: «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ۝ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۝ (فصلت/ ۴۱ و ۴۲) قرآن کریم می فرماید: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ إِخْتِلَافًا كَثِيرًا» (نساء/ ۸۲) یکی از ویژگی ها و وجوه اعجاز قرآن این است که یک انسان امی و درس نخوانده در طول ۲۳ سال کلمات و تعالیمی را با تنوع فراوان و در حالات و شرایط مختلف تبیین کرده و تمامی آن ها کاملاً با هم هماهنگ و در یک خط مستقیم قرار دارند. این هماهنگی آیات و عدم تناقض بین آن ها نشان از این است که از یک منشأ و حیانی بر قلب پیامبر ﷺ نازل شده است.

پیشینه

ادعای مستشرقان بر وجود تناقض در قرآن حرکت تازه ای نیست بلکه ادامه تلاش مخالفان اسلام در گذشته می باشد.

۱. مردی خدمت امیر مؤمنان علی ﷺ رسید و عرض کرد: من در کتاب خدا به شک افتاده ام. وقتی حضرت از علت آن پرسید، گفت: چون برخی آیات یک دیگر را تکذیب می کنند. حضرت فرمود: آیات تصدیق کننده هم هستند؛ نه تکذیب کننده! مشکل تو این است که عقل دانش مفید نداری. موارد شک خودت را بگو. وی تک تک اعتراض های خود را برشمرد و حضرت پاسخ های لازم را داد (صدوق، التوحید، ۱۳۹۸: ۲۵۵).

۲. مردی خدمت امیر مؤمنان علی علیه السلام آمد و گفت: اگر این اختلاف و تناقضاتی که در قرآن دیدم، نبود، به دین اسلام می‌گرویدم. حضرت فرمود: آن موارد را برشمار. وی همه را شمرد و حضرت هم به آن‌ها پاسخ داد. وقتی شبهاتش حل شد، اسلام را پذیرفت (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵: ۳۸۵).

این گونه شبهات درباه تناقضات قرآن سبب شد دانشمندان در طول تاریخ به تألیف آثاری خوب و ماندگار بپردازند، که برخی از آنها عبارتند از: ابی علی محمد بن مستنیر بصری (متوفی ۲۰۶ ق) وی ادیب و از اصحاب امام صادق علیه السلام بود و کتابی درباره همین موضوع به ترتیب سوره‌ها به نام «الرّد علی الملحدین فی تشابه القرآن» تألیف کرد. ابن قتیبه دینوری (متوفی ۲۷۶): «تأویل مشکل القرآن». سید شریف رضی (متوفی ۴۰۶): «حقایق التأویل فی مشابه التنزیل»، قاضی عبدالجبار معتزلی (ت: ۴۱۵): کتاب «تنزیه القرآن عن المطاعن»، محمد الفاتح مرزوق: «دفاع الاسلام ضد مطاعن التبشیر». قطب راوندی (ت: ۵۷۳): «فصلی از کتاب الخرایج و الجرائح» را به این موضوع اختصاص داده است. ابن شهر آشوب مازندرانی (ت: ۶۶۶): «رساله‌ای در پاسخ به ۱۲۰۰ شبهه پیرامون قرآن» تألیف کرده است. جلال الدین سیوطی: کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» (باب ۴۸)، محمد باقر مجلسی: «بحار الانوار» (ج ۸۹، ص ۱۴۱ و ج ۹۰، ص ۹۸ تا ۱۴۲)، شیخ جلیل یاسینف: «اضواء علی متشابهات القرآن»، احمد عمران: «القرآن والمسیحیه فی المیزان». وی این اثر را در پاسخ به اشکالات اسلام‌شناس و قرآن‌شناس مسیحی لبنانی یوسف حداد مؤلف کتاب «القرآن والمسیحیه» نوشت، آیت الله محمد هادی معرفت: «شبهات و ردود حول القرآن الکریم» را نگاشت.

آنچه که باعث تلقی تناقض در آیات قرآنی از سوی شرق‌شناسان شده است، انگیزه‌های بد و تفسیر سطحی و ناقص آیات بدون توجه به شرایط زمانی و مکانی نزول آن‌ها، عدم توجه به سیاق آیات و سوره، توجه به تفاسیر و قرائات شاذ آیات و اطلاع کم از قاعده ناسخ و منسوخ، خاص و عام، مطلق و مقید و محکم و متشابه بوده است.

۶۷ به عنوان مثال، دیوید پاورز در آثار خود به کرات این مسئله را گوشزد کرده است که آیه وصیت با آیه ارث نسخ شده است. چرا که بین آن دو تناقض وجود دارد، زیرا آیین ارث در اوایل اسلام به این کیفیت نبود، بلکه همه اموال میت به فرزند وی می‌رسید و اگر به پدر و مادر هم چیزی از آن می‌دادند به وسیله وصیت بود و این آیه مربوط به همان وصیت است ولی بعداً آیات ارث نازل شد و آن حکم قبلی و وصیت مخصوص را که به جای ارث به کار می‌رفت، نسخ نمود. این است که می‌گویند آیه وصیت با آیه ارث نسخ شده است (پاورز، مطالعات قرآنی، ۱۹/۲۰).

حال آنکه بین آیه وصیت و آیه میراث منافاتی وجود ندارد و هر دو آیه قابل عمل است. با کنار گذاشتن دو آیه در کنار هم و رفع ید از وجوب آیه وصیت و حمل آن بر استحباب می توان بین دو آیه جمع کرد (معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ۱۴۱۵: ۲ / ۳۲۰) یعنی در واقع اطلاق آیه کنار گذاشته شد پس نسخ نیست بلکه تقييد است. آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه می گوید آیه وصیت حمل بر استحباب مؤکد می شود (مکارم، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱ / ۶۱۵) از آیه وصیت چنین استفاده می شود که شخص قبل از مرگش، می تواند برای قوم و خویش خود وصیت کند و این حکم مسلماً نسخ نشده است؛ زیرا آنان در صورتی که میت فرزند دارد، نمی توانند ارث ببرند و آیه ارث در این صورت برای خویشاوندان سهمی معین نمی کند و اگر در مورد آن ها وصیت شود، می توانند طبق وصیت، سهمی از اموال میت ببرند و این حکم نسخ نشده و همچنان پابرجاست. اما درباره نسخ باید سه مطلب را بیان کرد: ۱. گفته شد که طبق تعریف اصطلاحی نسخ، تعداد آیات منسوخ بسیار کم است. درباره چرایی این نوع نسخ در ذیل دیدگاه پنج مستشرقان توضیح داده خواهد شد. ادعای عدم وقوع نسخ در قرآن هم دارای اعتبار و قوت است. ۲. کاری که عده ای از متقدمین مسلمان انجام می دادند و با تسامح بدون دقت های لازم شمار آیات ناسخ و منسوخ را بسیار زیاد گزارش کرده اند در حقیقت اشتباه این افراد است و ربطی به قرآن کریم ندارد. دیدگاه افرادی مانند نحاس و دیگران که اندک ناسازگاری موجود در آیات قرآن را حمل بر نسخ کرده اند، ناشی از عدم دقت در معنای نسخ مصطلح است که البته در آن موارد انبوه نیز تعارضی نیست بلکه تخصیص ها و تقييدها و امثال آن است که جزء نسخ به حساب آمده است. ۳. طبق مبنای آیت الله معرفت که مصطلح در قرآن مصداقی ندارد. دو آیه که با هم تنافی داشته باشند و بخواهیم آیه ای را منسوخ بدانیم و از حیطة عمل خارج کنیم اصلاً نداریم. آنچه هست نسخ تدریجی، مشروط و تمهیدی است. بنا بر این مجالی برای طرح این ادعا که آیاتی با هم تعارض داشتند و اندیشه نسخ برای رهایی از این تعارضات بوده نمی ماند.

دیدگاه دوم. معرفی اختلاف قرآن و فقه و اختلاف فتاوا به عنوان منشأ اندیشه نسخ

شرق شناسان اختلاف میان قرآن و فقه و نیز اختلاف فتاوی فقها را به عنوان یکی از زمینه های نسخ در قرآن تلقی کرده اند.

برتن می گوید: «نسخ یا الناسخ والمنسوخ، عنوان کلی است که به مجموعه ای از نظریات و آرائی که در حوزه تفسیر، حدیث و اصول فقه جریان دارند، اشاره دارد. این تئوری ها به علت وجود تعارض های زیاد و کلی بین دو آیه، دو حدیث، یک حدیث و یک آیه، همچنین بین قرآن و حدیث با فقه، پایه گذاری شده اند» (برتن، پیام جاوید، ۵۹ / ۸).

وی در مقاله جمع قرآن، فقه را علت قائل شدن به نسخ می‌داند و می‌گوید: «برای مثال، آیه ۲۴۰ سوره بقره به حسب ظاهر یک دوران دوازده ماهه را تشریح نمود که طی آن، زن بیوه چون نمی‌تواند شرعاً ازدواج مجدد را منعقد نماید، باید در خانه شوهر متوفای خویش بماند و تحت حمایت قرار گیرد. آیه ۲۳۴ سوره بقره به ظاهر این دوره را به چهار ماه و ده شب کاهش داد. این حکم در فقه مطرح گردید. این نتیجه به دست آمد که آیه ۲۳۴ نازل گردید تا آیه ۲۴۰ را نسخ نماید، هر چند الفاظ هر دو آیه در مصحف موجود بودند» (برتن، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۷: ۱۶۱/۴). یعنی در حقیقت تضاد فقه با آیه‌ای از قرآن را منشأ اندیشه نسخ می‌داند.

برتن همچنین با دیدن احکامی در فقه که در قرآن نیامده بر این باور شده که این موارد نشانه نسخ آیه‌ای از قرآن است. او می‌گوید: «در باره برخی از موضوعات ویژه، فقه احکامی ارائه می‌دهد که در مصحف عثمانی مذکور نیست و گمان می‌رود از سنت گرفته شده باشد... احکام دیگر فقهی در تعارض با احکامی قرار دارند که در مصحف ذکر شده‌اند. برخی از عالمان، منشأ این اختلافات را سنت و عده‌ای دیگر متأثر از برداشت‌های فقهی دانسته‌اند و به این اطمینان رسیده‌اند که... سوره‌هایی از قرآن یا فرازهایی زمانی در قرآن نازل شده‌اند، ولی از تمام مصاحف حذف گردیده‌اند... به‌عنوان مثال، حکم فقهی سنگسار نمی‌تواند با کیفری که در آیه دوم سوره نور توصیه شده است سازگار باشد... اما اکثر فقها این حکم را پذیرفتند، زیرا در فقه موروثی وجود داشت و چنین استدلال کردند که این مطلب گویای نسخ حکم مصحف با حکم سنت می‌باشد. عده‌ای دیگر اظهار نمودند که سخنان و اعمال یک فرد هر چند والا مقام، نمی‌تواند ناسخ سخنان شارع الهی گردد استدلال آن‌ها به اینجا رسید که حکم رجم «باید» از یک وحی قرآنی متأخر نشأت گرفته باشد و آیه رجم به سادگی از مصحف حذف گردیده» (برتن، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۱: ۱۶۲/۴).

وی در مواردی برداشت‌های مختلف فقها از یک آیه را نشانه نزول‌های متعدد که برخی نسخ شده‌اند می‌داند!

«عروه در مورد حکم سعی میان صفا و مروه متحیر بود. آیه ۱۵۸ سوره بقره: ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ به ظاهر گویای اختیاری بودن این عمل است یک دیدگاه عراقی در حالی که فقه مدنی مسلم می‌داند که صحت و اعتبار حج متوقف بر انجام سعی است. وقتی عروه با خاله‌اش عایشه مشورت نمود، او پاسخ داد که دیدگاه عروه مستلزم قرائت متفاوتی است؛ یعنی «در انجام ندادن آن گناهی وجود ندارد»... یک قرن بعد حاکی از آن است که برخی از صحابه و تابعان معتقد بودند سعی عملی اختیاری است. طبری می‌گوید که دیدگاه آنان آشکارا مبتنی بر مصاحف ابن مسعود و ابن عباس بوده است.» بعد نتیجه می‌گیرد که «چنین فهم و برداشتی وجود وحی متفاوتی را ضروری می‌سازد» (همان).

مسلم است که، اولاً اختلاف بین احکام قرآن و فقه اساساً بی معنا است چرا که قرآن اصلی ترین و مطمئن ترین منبع فقه است که در آن هیچ تحریف و تغییری صورت نگرفته است، ثانیاً اینکه احکامی در فقه باشد و در قرآن بیان نشده باشد ناشی از این است که آن احکام از روایات برداشت شده است و کلاً بنا نبوده است که همه جزئیات احکام در قرآن ذکر شده باشد. ثالثاً اختلاف فتوا ناشی از عوامل متعددی است و قطعاً تعدد نزول یا حذف آیه‌ای از قرآن جزء این عوامل نیست؛ اما اینکه شرق‌شناسان اختلاف میان قرآن و فقه و نیز اختلاف فتاوا فقها را به عنوان یکی از زمینه‌های نسخ در قرآن تلقی کرده‌اند ریشه در این دو مطلب دارد که، اولاً آن‌ها دیدگاه مناسبی درباره منابع فقه ندارند. ثانیاً اعتقاد به تحریف در قرآن دارند؛ و علاقه دارند به اینکه شواهدی را بیان کنند بر اینکه آیه ای و حکمی در قرآن بوده و حذف شده است!

اما درباره منابع فقه باید گفت بدون شک اولین و مهم‌ترین وسیله فهم و استنباط احکام الهی، کتاب خدا «قرآن» است: ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ﴾ (نحل/ ۸۹) و مسلمانان از صدر اسلام، برای استنباط احکام اسلامی در درجه اول به قرآن مجید رجوع کرده و می‌کنند. اما باید توجه داشت که علاوه بر قرآن، سنت یعنی گفتار یا کردار یا تأیید معصوم هم جزء منابع فقه است و برخی احکام از سنت گرفته می‌شود. بدیهی است که اگر در سخنان رسول اکرم ﷺ یک حکمی بیان شده باشد و یا ثابت شود که رسول اکرم ﷺ عملاً و وظیفه‌ای دینی را چگونه انجام می‌داده است و یا محقق شود که دیگران برخی وظایف دینی را در حضور ایشان به گونه‌ای انجام می‌دادند و مورد تفریر و تأیید و امضا عملی ایشان قرار گرفته است، یعنی ایشان عملاً با سکوت خود صحه گذاشته‌اند، کافی است که یک فقیه بدان استناد کند. در مورد «سنت» و حجیت آن، از نظر کلی بحثی نیست و مخالفی وجود ندارد. اختلافی که در مورد سنت است در دو جهت است: یکی اینکه آیا تنها سنت نبوی حجت است یا سنت مروی از ائمه معصومین ﷺ هم حجت است؟ اهل تسنن تنها سنت نبوی را حجت می‌شمارند ولی شیعیان به حکم برخی از آیات قرآن مجید و احادیث متواتر از رسول اکرم ﷺ که خود اهل تسنن روایت کرده‌اند و از آن جمله اینکه فرمود: «دو چیز گران‌بها بعد از خود برای شما باقی می‌گذارم که به آن‌ها رجوع کنید و مادام که به این دو رجوع نمایید گمراه نخواهید شد: کتاب خدا و عترتم» به قول و فعل و تفریر ائمه اطهار نیز استناد می‌کنند.

و نکته بسیار مهم این است که «قرآن» منبع و ماخذ اصلی برای استنباط احکام شرعی و مقررات الهی است به طوری که هیچ حکمی نباید مخالف قرآن باشد، چنان‌که پیامبر اکرم ﷺ

می‌فرمایند: «ما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه» (کلینی، الکافی، ۱۴۰۷: ۱/ ۶۹) مسلمانان از صدر اسلام، برای استنباط احکام اسلامی در درجه اول به قرآن مجید رجوع کرده و می‌کنند (ایازی، فقه پژوهشی قرآنی، ۱۳۸۰: ۲۵).

بنا بر این ادعای مخالفت فقه و قرآن بی‌معنا و غیر منطقی است. همچنین علت اینکه احکامی در فقه هست که در قرآن نیامده هم روشن است چرا که آن احکام از سایر منابع غیر از قرآن اخذ شده است و ربطی به مسئله نسخ ندارد.

اما مصونیت قرآن از تحریف مورد تأیید عالمان و دانشمندان شیعه و سنی است. علمای اسلام برای تحریف نشدن دلایلی دارند که شامل دلایل نقلی (قرآن و روایات)، دلایل عقلی و دلایل تاریخی است. از جمله این دلایل می‌توان، به این موارد اشاره کرد به: (۱) گواهی تاریخ؛ (۲) ضرورت تواتر قرآن؛ (۳) مسئله اعجاز قرآن و بقای تحدی آن؛ (۴) ضمانت الهی در آیه ۹ سوره رعد؛ (۵) عرضه روایات تحریف بر قرآن کریم و رد آن‌ها؛ (۶) نصوص اهل بیت علیهم‌السلام دال بر تحریف نشدن؛ (۷) نظر و اجماع علمای بزرگ دو فرقه که مشروح آن‌ها بر ردّ تحریف دلالت دارد (معرفت، صیانت القرآن من التّحریف، ۱۳۷۹: ۳۵-۶۰) اما خاورشناسان با توجه به انگیزه‌هایی که دارند نظریه تحریف قرآن را پذیرفته و گفته‌اند که قرآن پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دستخوش تحریف شد.

نولدکه مدعی تحریف به حذف شده است و از قول «وایل» می‌گوید: عثمان آن مواضع مخالف بنی امیه [که خویشاوندان عثمان بوده‌اند] و علیه آن‌ها بوده است را حذف کرده است؛ و یا می‌گوید از عادت حضرت نبوده که اسامی مردم را در محیطش یاد کند؛ چه اسامی اشخاص باشد یا امکنه و این از روی تصادف نیست، بلکه عمدی است و حضرت خودش هنگام پیوست و انضمام آیات به قرآن، اقدام به محو و پاک کردن اسامی کرده است (نولدکه، تاریخ القرآن، ۲۰۰۰: ۳۱۹-۳۱۷/۲).

در حالی که این حرف‌های سست و بی‌دلیل وایل به خاطر اطلاع اندک او نسبت به جریان جمع در زمان عثمان می‌باشد، زیرا عثمان از مصاحف نکاست و فقط با تجرید قرآن از علائم و اسباب اختلاف قرائت، توحید مصاحف نمود. و اینکه عدم وجود اعلام را دلیل حذف می‌داند نشانه عدم آشنایی وی با اسلوب قرآن کریم است. گویا انتظار داشته است قرآن طبق میل او نازل شود.

اما مخالفت حکم رجم با آیه ۲ سوره نور به خاطر این است که موضوع دو حکم متفاوت است. حکم رجم از سنت استنباط و نقل شده است و مخصوص زنا کاری است که: اولاً متأهل و دارای همسر باشد و ثانیاً به همسر خود دسترسی داشته باشد مثلاً در سفر نباشد و یا دارای عذر دیگر که منافات با مسائل زناشویی باشد نداشته باشد؛ مانند عادت ماهیانه و یا ناشزه بودن همسر

یا عنین بودن مرد ... بعد از حصول این شرایط اگر این مرد یا زن متأهل بر خوردار از همسر حلال و بی مانع، به گناه زنا آلوده شوند و در فضایی کاملاً آزاد چهار بار به این عمل خود اقرار کنند یا چهار شاهد عادل عیناً این عمل زنا را با خصوصیاتش ملاحظه و مشاهده کرده باشند و در محضر حاکم شرع گواهی دادند جای حکم رجم است. با این وجود حکم رجم با آیه ۲ سوره نور منافاتی ندارد بلکه آن را تخصیص می زند.

اما آنچه درباره اختلاف برداشت ها گفته شد، حرف عجیبی است، چراکه اختلاف برداشت هرگز به معنای اختلاف نزول نمی تواند باشد بلکه قرآن یک متن ثابت است و علماء و فقهاء استنباط خود را دارند و البته گاهی یک برداشتی با برخی قرائات اثبات پذیرتر است و نامی از آن قرائت هم می آورند.

اما آیه ۱۵۸ سوره بقره می فرماید: «إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ» همان طوری که «عروه» گفته است ظاهر آیه چون تعبیر به (لا جناح) کرده است، اختیاری بودن این عمل را می رساند، ولی اگر به شأن نزول آیه دقت شود روشن می گردد که این تعبیر از باب «رفع توهّم حظر» آمده است، زیرا در عمرة القضاء مسلمانان سه روز از مشرکان مهلت خواستند تا بتها را از کعبه و دو کوه «صفا» و «مروه» بردارند تا آنان به راحتی مراسم خود را انجام دهند. پس از گذشت سه روز، مشرکان بتها را برگرداندند، در حالی که بعضی از مسلمانان به خاطر مشکلی که داشتند نتوانستند سعی «صفا و مروه» را انجام دهند، لذا در حرج و سختی قرار گرفتند. آیه مورد بحث نازل شد که برای سعی کنندگان مانعی ندارد که سعی خود را انجام دهند؛ اگر چه بتها در آنجا قرار دارند، بنابراین این تعبیر منافاتی با وجوب سعی ندارد (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۵: ۱/ ۲۴۰ و طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱/ ۳۸۸-۳۸۵) و اختلافات صحابه و یا دیگران هیچ تغییری در واقعیت نخواهد داد. اگر عروه چنین حرفی زده است، حتماً به شأن نزول آیه توجه نکرده است و الا هیچ تحیری برای او باقی نمی ماند و لازم نبود متن قرآنی دیگری در این مورد باشد (اسکندرلو، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۷: ۴/ ۱۸۷).

دیدگاه سوم. معرفی نسخ، به عنوان راهی برای اصلاح و تعدیل اشتباهات قرآن

مونتگمری وات از نسخ، معنای خاصی را اراده نموده است. وی نسخ را به معنای نوعی اصلاح و تعدیل در قرآن، معنای کرده است (احمدی، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۳: ۳۸/ ۱۶) پالمردر کتاب خود در این باره چنین آورده است: «خداوند رأیش را تغییر می دهد» (خلیفه، ۱۶۸) و یا بتمن چنین گفته است که «خداوند آنچه را که امروز وحی می کند فردا لغو می کند و او (مقلب) است» (همان).

به نظر می‌رسد این نگاه ناشی از همان مشکل همیشگی مطالعات مستشرقان است چراکه همواره نظریات آن‌ها با پیش فرض «الهی و وحیانی نبودن قرآن و و بشری بودن آن» همراه بوده است. خاورشناسان در طول تاریخ کوشیده‌اند منبع قرآن را غیر وحیانی و ساخته بشر معرفی نمایند. «در مسئله نزول وحی قرآنی بر پیامبر اکرم ﷺ و مصدر و منشأ آیات قرآن کوشیده‌اند، انواع احتمالاتی را مطرح کنند که حتما مبتنی بر «اعتقاد به الهی نبودن» آن‌ها باشد، لذا گاهی منشأ آن را حالات صریح و بی خودی و احیاناً یک نحوه جنون دانستند وقتی که بلندی معارف آیات و سخنان حضرت و ناسازگاری آن‌ها با جنون برایشان مطرح شد، منشأ آن‌ها را نبوغ بشری مطرح کردند. آنگاه که به آن‌ها پاسخ داده شد که نبوغ انسان باید در دهه‌های اول زندگی نابغه هم خود را نشان داده باشد و مشابه همان دستاوردهای بعدی در قبل هم داشته باشد، منشأ آن‌ها را آموخته‌های پیامبر ﷺ از کتاب‌های پیشین و تورات و انجیل معرفی کردند. هنگامی که مسئله در دسترس نبودن کتاب‌های آسمانی در سرزمین مکه و امی بودن، عدم سابقه درس خواندن و نوشتن حضرت در تاریخ برای آن‌ها گفته شد، مصدر آیات را آموزش‌های احبار و رهبان یهود و نصاری معرفی کردند. وقتی گفته شد که یک دیدار کوتاه با یک نفر به نام بحیرای راهب - بر فرض اثبات - گنجایش آن همه معارف را در خود نمی‌تواند داشته باشد، علاوه بر اینکه معارف قرآن، تقلید و برگرفته از معارف مسیحیت و یهودیت نیست بلکه اصلاح و انکار بسیاری از عقائد رایج آن‌ها بوده، به یافتن راه‌های فرار دیگری اندیشیدند» (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۹۵: ۹۶).

بنا بر این انکار وحیانی بودن ادعایی است که دلیلی بر اثباتش نیست بلکه ادله فراوان بر بطلان این ادعا وجود دارد.

قرآن بر الهی بودن وحی صراحت دارد. «أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا» (سورا/ ۷)، «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم/ ۴۳) از این آیات آشکار می‌گردد که قرآن وحی الهی است و پیامبر اسلام ﷺ نقشی جز ابلاغ نداشته است. همین مطلب سبب شده تا در قرآن هیچ گونه اختلاف و کجی و باطل راه نیابد، «قُرْآنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ» (زمر/ ۲۸) و «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (فصلت/ ۴۲).

بسیاری از مستشرقان پس از مطالعات و پژوهش‌های عمیق به متعالی بودن آموزه‌ها و آیات قرآن اعتراف کرده‌اند. گروهی از دانشمندان و قرآن‌پژوهان غیر مسلمان، مانند ایزوتسوی ژاپنی، توماس کارلایل اسکاتلندی و جرجی زیدان مسیحی به این نتیجه رسیده‌اند که معارف قرآن آن قدر عالی و منطبق با آموزه‌های الهی است که قطعاً یک نوع پیوند با خدا دارد و به گونه‌ای مورد عنایت خداوند بوده است و به همین خاطر سبب نجات مردم جزیره العرب و سعادت میلیاردها انسان

مسلمان در طول تاریخ شده است. با این حال، آن‌ها نزول وحی خداوند بر حضرت محمد ﷺ و وحی بودن آیات قرآن را نپذیرفته‌اند، از این رو قرآن را کتاب آسمانی و اسلام را آخرین دین الهی ندانسته و به آن نگریده‌اند (رضایی اصفهانی، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۸: ۶/ ۱۲۰). اما بعضی از شرق شناسان غربی مانند پروفیسور هانری کربن فرانسوی، دکتر موریس بوکای فرانسوی، جان دیوان پورت انگلیسی و شهید دکتر ادوارد انیلی ایتالیایی، منشاء قرآن کریم را وحی آشکار الهی دانسته‌اند و معتقدند قرآن توسط جبرئیل امین بر حضرت محمد ﷺ نازل شد. این گروه بعد از بررسی‌های علمی فراوان وقتی به این حقیقت که مصدر قرآن وحیانی است، دست یافته‌اند، از دین سابق خود دست کشیده و دین اسلام را پذیرفته و مقالات علمی ارزنده‌ای در این زمینه تألیف کرده‌اند. حسین عبداللهی خروش در کتابی به نام «اعترافات خاورشناسان» اسامی حدود دویست نفر از آن‌ها را آورده است.

علی رغم این، شاهد ادعاهای سست نظیر آنچه وات، پالمر و بتمن گفته‌اند هستیم که در مقام پاسخ باید چنین گفت نسخ طبق تعریف اصطلاحی عبارت بود از رفع قانون سابق - که بر حسب ظاهر اقتضای دوام دارد - به وسیله قانون بعدی، به صورتی که اجتماع آن دو با هم ممکن نباشد؛ که این عدم امکان اجتماع ذاتی است در هنگامی که تنافی بین آن‌ها روشن باشد یا عدم امکان اجتماع به خاطر دلیل خاص، مثل اجماع و نص صریح است. پس در نسخ رأی جدیدی ایجاد نمی‌شود چون این مطلب بر خدا محال است، زیرا مستلزم تغییر رأی در اثر خطا یا نقص است. نسخ تنها به ما خبر می‌دهد که آمد و زمان حکم قبلی به آخر رسیده است. رأیی تغییر نکرده است چون که از اول بنا به این تغییر بوده است. هر تعریف دیگری که مابین با تعریف فوق و نیز شرایط گفته شده برای نسخ باشد، صحیح نیست.

البته نسخ به تعریف مصطلح اصلا در قرآن مصداق خارجی ندارد؛ آنچه هست نسخ تدریجی و تمهیدی و مشروط است؛ یعنی حکمی تغییر نکرده بلکه برای شرایط مختلف احکام مختلف بیان شده است و این برای همیشه جاری و ساری است. پس ادعای اصلاح یا تغییر رأی اصلا محلی از اعراب ندارد.

دیدگاه چهارم. معرفی فراموشی پیامبر ﷺ به عنوان علت اندیشه نسخ

برتن، نسی و فراموشی پیامبر ﷺ را یکی از کارکردهای نسخ پنداشته است و در بررسی آیات ۶ و ۷ سوره اعلی به مفهوم کلمه «نسی» پرداخته و آن را نوعی نسخ می‌داند و تلاش می‌کند این نظر خود را با برخی از احادیث مستند سازد. «معنای کلی نسخ، تغییر و جایگزینی است که معانی

حذف و ابطال نیز طی کارکرد نسخ در قرآن به آن اضافه شده است. منشأ و سرچشمه ایده نسخ قرآن، تفسیر می‌باشد. بر اساس تفسیر آیات ۶ و ۷ سوره اعلی، ۳۹ سوره رعد، ۸۶ سوره اسراء و ۱۰۶ سوره بقره که این دو آیه اخیر اصطلاح نسخ را عیناً به کار برده‌اند، به نظر می‌رسد این احتمالات را مطرح کرده‌اند که بعضی از آیات قرآن ممکن است توسط پیامبر ﷺ به فراموشی سپرده شده باشند. همچنین پیامبر ﷺ شخصاً نمی‌تواند آیاتی را حذف یا جایگزین کند یا فراموشی پیامبر کنترل شده است به نحوی که خواست الهی، تصمیم‌گیری نهایی را در مورد متن کتاب انجام خواهد داد» (برتن، پیام جاویدان، ۱۳۸۷: ۸/۶۱). جان برتن در کتاب جمع قرآنش می‌گوید: «آیاتی وجود داشته‌اند که زمانی بر پیامبر ﷺ به‌عنوان بخشی از قرآن نازل شده‌اند که از متن جمع‌آوری شده قرآن «مصحف» حذف شده‌اند که این امر با فراموشی که به ندرت از جانب پیامبر ﷺ صورت گرفته، انجام شده است» (برتن، گلستان قرآن، ۱۳۸۱: ۱۱/۱۱۹). وی نظریه خود دال بر حذف آیاتی از قرآن را در مقاله «جمع قرآن» نیز آورده است: «أبّی بن کعب گزارش می‌دهد سوره احزاب در ابتدا به اندازه سوره بقره بود و ما آیه رجم را در سوره احزاب تلاوت می‌کردیم. ابوموسی اشعری نقل نموده است: سوره احزاب زمانی به اندازه سوره توبه بوده، اما من آن را به جز یک آیه فراموش کردم. حذیفه اعلام کرد: ما امروز از سوره توبه به جز یک ربع آن را تلاوت نمی‌کنیم؛ در حالی که عایشه دختر ابی‌بکر اظهار داشت: سوره احزاب زمانی شامل دو بیست آیه بود» (برتن، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۷: ۴/۱۶۵).

مونتگمری وات در کتاب محمد در مکه بر این باور است که «محمد ﷺ ممکن است آیات خاصی را فراموش نموده باشد که این خود به معنای اصلاح به وسیله حذف می‌باشد، اگرچه مسبب این فراموشی خداوند باشد» (وات، گلستان قرآن، ۱۳۸۱: ۱۱/۱۱۹)

مستشرقان به پیامبر ﷺ فراموشی نسبت داده و این مطلب را مستند به قرآن و برخی روایات مجعولی می‌دانند که با کمال تأسف در معتبرترین منابع اهل سنت آمده است: (صحیح بخاری، ۱۴۰۷: ۱۱۱/۶، ح ۵۰۴۲)، کتاب فضائل القرآن، باب ۲۷، باب «مَنْ لَمْ يَرَبَأْسًا أَنْ يَقُولَ» از عایشه نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ در مسجد دید که یک نفر دارد یک آیه از قرآن را می‌خواند، فرمود: این قاری قرآن چند آیه از قرآن را که ساقط کرده بودم به یاد من آورد!!!! «سَمِعَ النَّبِيَّ قَارِئًا يَقْرَأُ مِنَ اللَّيْلِ فِي الْمَسْجِدِ فَقَالَ: يَرْحَمُهُ اللَّهُ لَقَدْ أَذْكَرَنِي كَذَا وَكَذَا آيَةً، أَشَقَطْتُهَا مِنْ سُورَةِ كَذَا وَكَذَا». رژی بلاشر می‌نویسد: «از طریق روایات در می‌یابیم که محمد ﷺ روزی از مجلس وعظی گذشت و شنید که واعظ قسمتی از قرآن را از حفظ می‌خواند. پیامبر که دچار هیجان شدید شده بود، دریافت که این قسمت را فراموش کرده بود و فقط این تصادف به او امکان داد که آن را باز یابد. این موضوع که

ارزش تاریخی آن قابل بحث است به وسیله آیه ای از سوره بقره تأیید شده که: «ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها» گرچه عبارت «فراموش گردانیم» ممکن است به معنای مبهم آن گرفته شود یعنی متروک سازیم، ولی مفسرینی هم آن را به معنای اصلی اش می گیرند یعنی از خاطره‌ها محو ساختن» (بلاشر، در آستانه قرآن، ۱۳۷۴: ۳۱ و ۳۲).

در بررسی این نگاه خاورشناسان باید گفت اینکه نسخ را معلول نسیان پیامبر ﷺ می دانند ادعایی باطل و بیگانه از مفهوم نسخ است؛ و ناشی از همان نگاه غرض ورزانه و پیش فرض‌های باطل آنهاست. چرا که نسخ تلاوت مورد قبول نیست و حرف باطلی است و نسخ طبق تعریف مصطلح عبارت بود از «برداشتن حکمی که در گذشته بوده که علی الظاهر دائمی بوده، به وسیله یک حکم جدید، که به گونه‌ای که هم زمان بودن هر دو حکم ممکن نباشد...» و این تعریف ارتباطی به مسئله نسیان ندارد و فرایندی کاملاً آگاهانه است به خاطر مصالحی که قبلاً توضیح داده شد؛ و موارد آن هم بسیار کم است. اما لازم است آیات مورد ادعا درباره نسیان پیامبر ﷺ بررسی شود.

«ما ننسخ من آیه او ننسها نأت بخیر منها او مثلها ألم تعلم أن الله على كل شيء قدير» (بقره/۱۰۶). هنگامی که حکم قبله تغییر یافت و مسلمانان موظف شدند به سوی کعبه نماز بگذارند یهودیان گفتند اگر قبله اولی صحیح بود پس دستور دوم چیست؟ و اگر دستور دوم صحیح است اعمال گذشته شما باطل است. قرآن در پاسخ آن‌ها و دلداری مسلمانان می فرماید: هیچ حکمی را نسخ نمی‌کنیم و یا نسخ آن را به تاخیر نمی‌اندازیم مگر بهتر از آن یا همانندش را جانشین آن می‌سازیم (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱/۳۸۸).

در این آیه از نسخ آیه و انشاء آیه سخن گفته شده است. اما نسخ (نسخ) در اینجا تنها مربوط به احکام شرعی نیست بلکه در تکوینیات نیز هست (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱/۲۵۲) تفسیر نمونه در جمع بندی معنای نسخ و معنای آیه می‌گوید: «اگر آیه‌ای را نسخ کنیم همانند آن و یا بهتر از آن را خواهیم آورد، اشاره به احکام می‌باشد، که اگر یکی نسخ گردد بهتر از آن نازل می‌شود و یا اگر معجزه یکی از پیامبران منسوخ گردد به پیامبر بعد معجزه‌ای گویاتر داده می‌شود (حویزی، بی تا: ۱/۱۱۶). قابل توجه اینکه: در بعضی از روایات که در تفسیر آیه فوق وارد شده می‌بینیم که «نسخ آیه» به مرگ امام و جانشین شدن امام دیگر تفسیر شده است که البته به‌عنوان بیان یک مصداق است، نه برای محدود کردن مفهوم وسیع آیه» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱/۳۹۳). بنابراین قطعاً یکی از مصادیق این آیه نسخ آیات قرآن می‌باشد چه به معنای نسخ مصطلح چه به معنی نسخ مشروط. هر چند منکران نسخ می‌توانند ادعا کنند که این آیه درباره نسخ احکام یک شریعت با احکام شریعت دیگر است و ارتباطی به بحث نسخ آیات قرآن ندارد.

اما انساء آیه (ننسهها): انساء در لغت از ماده نسا به معنای تأخیر انداختن است (ابن منظور، لسان العرب، بی تا: ۱/۱۶۷). و یا از ماده نسی به معنای وادار کردن به ترک (ابن منظور، لسان العرب، بی تا: ۱۵/۳۲۲ و فیومی، المصباح المنیر، بی تا: ۲/۶۰۴) و یا از ذهن بردن است (راغب، مفردات، ۱۴۱۲: ۸۰۴ و فیومی، المصباح المنیر، بی تا: ۲/۶۰۴). تفسیر نمونه انساء را به معنای تأخیر انداختن می‌داند و می‌گوید: «منظور در اینجا این است که اگر ما آیه‌ای را نسخ کنیم و یا نسخ آن را طبق مصالحی به تأخیر بیندازیم در هر صورت بهتر از آن یا همانند آن را می‌آوریم، بنا بر این جمله «نسخ» اشاره به نسخ در کوتاه مدت است و جمله «ننسهها» نسخ در دراز مدت» (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱/۳۹۳). بعضی از مفسرین انساء را به معنای متروک گذاشتن گرفته‌اند و اینگونه تبیین کرده‌اند که «نُنْسِهَا» از ماده نسیان به معنای ترک است و نه غفلت؛ یعنی آن را بدون تغییر و تبدیل و آن‌گونه که هست رها می‌کنیم (مغنیه، بی تا: ۱/۱۷۰) طبق این دو نظر اصلاً فراموشی مطرح نیست و ادعای مستشرقان کاملاً بی مورد است.

عده‌ای از مفسرین انساء را به معنی از یادها بردن و فراموش کردن گرفته‌اند. صاحب تفسیر المیزان می‌گوید: کلمه (ننسهها) از مصدر انساء است، که به معنای از یاد دیگران بردن است، هم چنان که نسخ به معنای از بین بردن عین چیزی است، پس معنای آیه چنین می‌شود که ما عین یک آیه و علامت را به کلی از بین نمی‌بریم و یا آنکه یادش را از دل‌های شما نمی‌بریم، مگر آنکه آیتی بهتر از آن و یا مثل آن می‌آوریم (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱/۲۵۰).

البته باید توجه داشت که نظر علامه طباطبایی مبتنی بر این مقدمات است که: ۱. واژه «آیه» در این آیه، اختصاصی به آیات تشریحی یعنی آیات قرآن ندارد و شامل آیات تکوینی نیز می‌شود؛ ۲. اموری از جمله وجود پیامبر ﷺ و امام معصوم ﷺ از آیت‌های بزرگ خدا به شمار می‌روند؛ ۳. مقصود از نسخ آیه، از میان برداشتن آیات تکوینی و تشریحی است که معنایی عام‌تر از نسخ اصطلاحی است؛ بنا بر این معنای آیه چنین می‌باشد: خداوند آنچه از نشانه‌های خود را که زایل می‌کند و آیه بودن آن را در متن خارج از بین می‌برد یا علم آن را از ذهن افراد می‌برد، بهتر از آن یا همانند آن را به جایش می‌آورد.

و انساء به این معنا شامل پیامبر ﷺ نمی‌شود چون آیه: «مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا» مدنی است در حالی که خداوند در آیات: «سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تَنْسَى ۝ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» (اعلیٰ/ ۶ و ۷) که در مکه نازل شده، وعده عدم فراموش کاری رسول خدا ﷺ را داده است و قطعاً، وعده خداوند تخلف ناپذیر است. ضمناً استثنای «إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» در آیات سوره اعلیٰ دلیلی بر وقوع فراموشی برای رسول خدا ﷺ نیست، بلکه این استثناء صرفاً امکان فراموشی برای پیامبر ﷺ را در صورت خواست و صلاح الهی می‌رساند و به عبارت دیگر قدرت خداوند در به فراموشی کشاندن پیامبر ﷺ را نشان

می دهد (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۱/ ۲۵۴). در حقیقت خداوند در سوره اعلی در مقام منت بر پیامبر اکرم ﷺ است و استثنا فقط برای اثبات قدرت الهی است و گرنه منت بر رسول اکرم ﷺ صحیح نمی باشد. در نتیجه این آیه به هیچ وجه به پیامبر اکرم ﷺ نسبت فراموشی نمی دهد.

﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾ (رعد/ ۳۹).

این آیه درباره نزول معجزات یا کتب آسمانی به پیامبران وارد شده و در عین حال مسئله کلی محو و اثبات را مطرح می کند که نسخ شریعت ها مصداقی از آن است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۰/ ۲۴۱). پس هیچ گونه دلالتی بر اینکه پیامبر ﷺ دچار فراموشی می شود و این فراموشی زمینه ساز نسخ است ندارد.

﴿وَلَيْنَ شِئْنَا لَنُذْهِبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا﴾ (اسراء/ ۸۶).

آیه شریفه می گوید: تو در زمینه آمدن این چنین قرآنی مستقل نیستی بلکه آن را ما به تو داده ایم و اگر بخواهیم آن را از تو باز پس می گیریم؛ به عبارت دیگر دلیل بر این نیست که ممکن است خداوند عملاً روزی این رحمت را از پیامبرش بگیرد، بلکه دلیل بر آن است که پیامبر ﷺ چیزی از خود ندارد، علم و دانش و وحی آسمانی او همه از ناحیه خدا و بسته به مشیت او است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱۲/ ۲۷۲) در نتیجه این آیه هم ربطی به ادعای مستشرقان نداشت.

﴿سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَى إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى﴾ (اعلی/ ۶ و ۷).

این آیه در حقیقت در مقام بیان یک منت الهی عطیه الهی به پیامبر اکرم ﷺ است؛ و هر تفسیری که مخالف این شأن باشد صحیح نیست. می گوید: آن کس که این آیات بزرگ را برای هدایت انسان ها بر تو فرستاده، هم او حافظ و نگاهبان آن ها است، آری او نقش این آیات را در سینه پاک تو ثابت می دارد، به طوری که هرگز گرد و غبار نسیان بر آن نخواهد نشست. به پیامبر ﷺ وعده عدم نسیان می دهد؛ اما استثناء در این آیه در مقام بیان عمومیت و اطلاق قدرت خداوند متعال می باشد و مانند استثناء در آیه قبل و یا آیه ذیل می باشد: ﴿وَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَنِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ﴾ (هود/ ۱۰۸) به هر حال آیات فوق از ثبوت قدرت خداوند در تمام احوال یاد می کند اگر چه در مواردی خداوند از این عمومیت قدرت یاد می کند.

علامه طباطبایی اینگونه توضیح می دهد:

«جمله «سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنسَى» وعده ای است از خدای تعالی به پیامبرش، به اینکه علم به قرآن و حفظ قرآن را در اختیارش بگذارد، به طوری که قرآن را آن طور که نازل شده همواره حافظ باشد و هرگز دچار نسیان نگردد و همانطور که نازل شده قرائتش کند و ملائک در تبلیغ رسالت و وحی به همانطور که وحی شده همین است؛ و جمله «إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ» استثنایی است که تنها به منظور بقای

قدرت الهی بر اطلاقش آورده شده، می‌خواهد بفهماند چنین نیست که خدای تعالی بعد از دادن چنین عطیه‌ای دیگر قادر نباشد تو را گرفتار فراموشی کند، نه بعد از اعطاء هم باز به قدرت مطلقه خود باقی است و این استثنا نظیر استثنایی است که در آیه شریفه: «وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَنِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْدُودٍ» می‌باشد... پس در این استثنا نمی‌خواهد بعضی از مصادیق نسیان را از عموم «لا تنسی» خارج کند و می‌فرماید به زودی علم قرآن را به تو می‌دهیم به طوری که هیچ چیز از قرآن را فراموش نکنی، مگر آنچه را که او خواسته است فراموش کنی، برای اینکه اگر معنا چنین باشد اختصاص به رسول خدا ﷺ ندارد، همه مردم اینطورند و از هر چیزی و هر محفوظی آن مقداری را فراموش می‌کنند که خدا خواسته باشد و از اشیا مقداری را حفظ می‌کنند و مقداری را فراموش می‌نمایند، پس این چه منتی است که بر شخص رسول خدا ﷺ نهاده؟ با اینکه عطیه، عطیه‌ای است عمومی و مشترک بین آن جناب و عموم مردم. پس وجه درست همان است که ما بیان کردیم» (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۲۰/۴۴۳).

بنابراین طبق تفسیر صحیح این آیه، نه تنها بر نسیان پیامبر اکرم ﷺ دلالتی ندارد بلکه به طور اکید و واضح احتمال نسیان از پیامبر ﷺ را منتفی می‌داند. پس اگر کسی برداشت غلطی از آیه داشت آن را نباید به قرآن نسبت داد.

اما در نقد دیدگاه‌های بلاشر می‌گوییم اشکال او و بقیه مستشرقانی که این ادعا را تکرار کرده‌اند در آن است که در موضوع نسیان پیامبر ﷺ به روایات موجود در کتب اهل سنت مراجعه و اعتماد کرده‌اند. در حالی که ملاک صحت روایت این است که مخالف قرآن نباشد. چگونه ممکن است پیامبر ﷺ قرآن را فراموش کند در حالی که خداوند درباره ایشان می‌فرماید: ما به زودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند تا فراموش نکنی (اعلی/ ۶) علامه طباطبایی در تفسیر المیزان بیان می‌دارد که ملاک در تبلیغ وحی، عدم نسیان و فراموشی پیامبر ﷺ است و اگر پیامبر ﷺ آیات را فراموش کند، تبلیغ الهی صورت نگرفته است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۰: ۲۰/۲۶۶). در نتیجه تخطئه این روایات ساختگی آسان تر است از نسبت دادن فراموشی به پیامبر ﷺ.

دیدگاه پنجم. نسخ، تبدیل بی ضابطه و دل خواه احکام

شماری از مستشرقان معتقد به نظریه معتزله مبنی بر حسن و قبح عقلی می‌باشند و می‌گویند که همانا نسخ، مستلزم اجتماع ضدین است و اجتماع ضدین محال است؛ چرا که امر به شیئی اقتضای آن را دارد که آن امر نیکو و حسن باشد و نهی از یک شیئی اقتضای آن را دارد که آن شیئی قبیح باشد. پس اگر خداوند متعال به چیزی امر کرد، سپس از آن نهی فرمود و دوباره به آن شیئی امر کرد، در این هنگام صفات متضاد، در یک فعل که امر و نهی به آن تعلق گرفته است جمع می‌شود (ساسی، نقد الخطاب الاستشراق، ۱/۳۸۶).

نویسنده مقاله نسخ دائرةالمعارف اسلامیه می گوید: «اشکال دومی که به نسخ گرفته می شود این است که آنچه که خوب باشد باید امر به انجام آن بشود و آنچه که بد است باید امر به عدم انجام آن بشود. وقتی که به انجام چیزی که قبلاً ممنوع بوده، امر می شود، بدین معناست که بد، تبدیل به خوب می شود و وقتی اجرای چیزی که معمول بوده، ممنوع می شود بدین معناست که خوب تبدیل به بد می شود، لذا، بدین جهت نسخ نمی تواند در جایگاه یک امر الهی قرار گیرد. تئوری نسخ با مفهوم حسن و قبح ذاتی نیز در تضاد می باشد» (برتن، شریفی، پیام جاویدان، ۱۳۸۴: ۸/۶۵).

البته خود نویسنده در مقام جواب برآمده و چنین گفته است: «کارکرد فرامین الهی این است که درجه اطاعت انسان از خدا را بسنجند. از این روست که قواعد و دستورات دینی، از دینی به دین دیگر و از زمانی به زمان دیگر، باهم، متفاوت می باشند. با توجه به اینکه بشر با پیروی از آنچه که بدان امر شده است پاداش می گیرد و با سرپیچی از آنچه که بدان امر شده، عذاب می شود، لذا می توان گفت خدا بنا به خواست خود امر به انجام اموری می دهد و بنا به خواست خود امر به عدم انجام اموری می دهد. از این رو چون فقط خواست الهی است که در صدور دستورات الهی دخیل می باشد این دستورات کاملاً بسته به خواست او می باشند و هر لحظه، ممکن است تغییر یابند، تنها آنچه را که خدا به انجام آن امر می کند، خوب است و تنها آنچه را که وی از آن منع می کند، بد است و با توجه به اینکه صدور این دستورات بنا به خواست الهی می باشد نه بر پایه علم او، اشکال مطرح شده مبنی بر بعید بودن و غیرممکن بودن تغییر در افکار خدا (بداء) خود به خود، برطرف و ساقط می شود.» (همان)

پاسخ این دیدگاه طبق مبنای نسخ تمهیدی و مشروط کاملاً روشن است، چرا که در نسخ مشروط همواره با وجود شرایط خاص هر حکم آن حکم مصلحت دارد و زایل نشده است؛ و نسخ تمهیدی نیز مقدمه چینی است برای برداشتن عادات غلط، پس همه تغییرات صورت گرفته کاملاً ضابطه مند است.

اما طبق مبنای نسخ مصطلح هر چند موارد آن بسیار کم است اما جای این اشکال و جواب هست؛ و باید طبق نظر قائلین به حسن و قبح عقلی و مخالفین آن پاسخ داده شود. زرقانی این شبهه را طبق هر دو نظر پاسخ داده است.

طبق مبنای اشاعره حسن و قبح تابع امر و نهی خداوند متعال می باشد؛ بنابراین، هر فعلی که خداوند به آن فعل امر کرده تا زمانی که امر خداوند بدان تعلق گرفته، آن فعل حسن و محبوب

است و به محض اینکه آن فعل در زمان دیگر بنا بر مصالحی از سوی خداوند، مورد نهی قرار گرفت، قبیح و زشت شمرده می‌شود. پس شیء فاقد مصلحت، مصلحت دار نشد چراکه مصلحت در خود امر نهفته است (زرقانی، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی تا: ۹۷/۲) طبق مبنای عدلیه می‌توان گفت زمانی امکان دارد فعل، حسن باشد و در زمانی دیگر آن فعل، قبیح باشد. آنچه محال است این است که حسن و قبیح در زمان واحد و فعل واحد جمع شود (همان).

نسخ بر این مبنا استوار است که نیازهای انسان گاه با تغییر زمان و شرائط محیط دگرگون می‌شود و گاه ثابت و برقرار است، یک روز برنامه‌ای ضامن سعادت او است ولی روز دیگر ممکن است بر اثر دگرگونی شرائط همان برنامه سنگ راه او باشد. یک روز دارویی برای بیمار فوق العاده مفید است و طبیب به آن دستور می‌دهد، اما روز دیگر به خاطر بهبودی نسبی بیمار ممکن است این دارو حتی زیانبار باشد، لذا دستور قطع آن و جانشین ساختن داروی دیگر را می‌دهد. ممکن است درسی امسال برای دانش‌آموزی سازنده باشد، اما همین درس برای سال آینده بی فایده باشد، معلم آگاه باید برنامه را آن چنان تنظیم کند که سال به سال دروس مورد نیاز شاگردان تدریس شود. این مسئله مخصوصاً با توجه به قانون تکامل انسان و جامعه‌ها روشن‌تر می‌گردد که در روند تکاملی انسان‌ها گاه برنامه‌ای مفید و سازنده است و گاه زیانبار و لازم‌التغییر، به خصوص در هنگام شروع انقلاب‌های اجتماعی و عقیدتی، لزوم دگرگونی برنامه‌ها در مقطع‌های مختلف زمانی روشن‌تر به نظر می‌رسد. البته نباید فراموش کرد که اصول احکام الهی که پایه‌های اساسی را تشکیل می‌دهد در همه جا یکسان است، هرگز اصل توحید یا عدالت اجتماعی و صدها حکم مانند آن دگرگون نمی‌شود، تغییر در مسائل کوچک‌تر و دست دوم است. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که ممکن است تکامل مذاهب به جایی برسد که آخرین مذهب به عنوان خاتم ادیان نازل گردد به طوری که دگرگونی در احکام آن بعداً راه نیابد (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱: ۱/۳۹۱).

بنابراین، حکمت ایجاب می‌کند که در اداره و هدایت جوامع قوانین متناسب با شرایط و به مقتضای مرحله‌ای که در آن قرار دارند وضع شود؛ و زمانی که جامعه آن مرحله را پشت سر گذاشت به طوری که دیگر قوانین گذشته تناسبی با شرایط جدید نداشت، باید قوانین و احکام جدیدی متناسب با شرایط جدید وضع گردد. در غیر این صورت، رابطه و پیوند میان احکام و حکمت آن‌ها مختل می‌شود و دیگر تدبیر و اداره جوامع بشری بر اساس ابداع و ظرافت نظام آن‌گونه که اکنون شاهد آن هستیم جریان نمی‌یافت. بنابراین این ادعای مستشرقان هم وارد نیست.

دیدگاه ششم. نسخ، توجیه بی انضباطی در جمع قرآن

در مورد رابطه نسخ و جمع قرآن دو دیدگاه نادرست در بین مستشرقان وجود دارد: دیدگاه اول - قرآن در زمان پیامبر ﷺ به طور ناقص جمع شد و اندیشه نسخ این نقص را توجیه و بی اهمیت می‌کند. برتن در ادامه مباحث مربوط به نسیان قسمت‌هایی از وحی می‌گوید: «در زمان پیامبر آنچه را که مسلم بود وی دریافت کرده و عمدتاً از حفظ خوانده می‌شد را در لیست‌هایی ثبت کردند؛ اما پس از پیامبر، زمانی که سعی شد آیات وحی را در قالب یک کتاب گردهم بیاورند، فقط آن آیاتی را که پیدا کردند جمع‌آوری نموده و مصحف را به وجود آوردند یعنی این مصحف از همان آغاز ناقص بود به عبارتی دیگر تمام آنچه را که به پیامبر وحی شده بود، در برداشت، اما تمام آنچه را که خدا در نظر داشته است به ما عرضه کند، در برداشت» (برتن، پیام جاویدان، ۱۳۸۴: ۸/ ۶۱). وی قائل است که قرآن ناقص است و از طرفی گزارشاتی نقل می‌کند که قسمت‌هایی از قرآن حذف گردیده و منشأ این حذف‌ها را نسخ می‌داند. او می‌گوید: «همچنین، پیامبر شخصاً نمی‌تواند آیاتی را حذف یا جایگزین کند، یا این فراموشی توسط خداوند، کنترل شده است به نحوی که خواست الهی، تصمیم‌گیری نهایی را در مورد متن کتاب انجام خواهد داد» (همان). در حقیقت می‌گوید قرآن در زمان پیامبر جمع‌آوری شده است اما به صورت ناقص و این نقص لطمه‌ای به اعتبار قرآن نمی‌زند چرا که فراموشی پیامبر کنترل شده بوده است؛ یعنی نسخ توجیهی است برای اینکه از کنار ناقص بودن قرآن بگذریم.

دیدگاه دوم - پیامبر ﷺ نمی‌توانسته است قرآن را جمع‌آوری و تدوین کند چرا که هر لحظه امکان نسخ آیه‌ای وجود داشته است. برتن در مقاله جمع قرآن این دیدگاه را مطرح می‌کند «هیچ مصحفی تاکنون منسوب به پیامبر نبوده است. دلیلش روشن و ساده است. هیچ آیه و حیانی که رسمی و معتبر باشد، پس از رحلت پیامبر ﷺ از مصحف حذف نشده است اگر پیامبر جمع آن را تصدیق کرده باشد. به منظور موافقت با مفهوم نسخ، آن جمع باید به طور منطقی هوشیارانه و با تأمل در دوران پس از رحلت پیامبر جا داده شود و این اصل مهمی بود که عالمان مایل بودند با تکرار آن در احادیث جمع، بر آن تأکید ورزند. آنها دانستند و توضیح دادند که چرا «امکان دارد پیامبر خودش قرآن را در قالب یک مجلد جمع نکرده باشد، زیرا او منتظر نسخ بود تا بر بعضی از قیدها و شرط‌های شرعی تأثیر گذارد یا عین الفاظ را تثبیت کند. زمانی که با رحلت پیامبر وحی به طور مطلق متوقف گردید، خداوند به صحابه الهام کرد به کار جمع وحی‌های قرآنی بپردازند تا وعده الهی مبنی بر حفظ آنها تحقق یابد» (برتن، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۸۴: ۴/ ۱۷۰).

اما در پاسخ به این دیدگاه مستشرقان به مسأله نسخ باید گفت درباره جمع قرآن دو نظریه مهم و اصلی در بین عالمان اسلامی وجود دارد که هیچ تناسبی با دیدگاه مستشرقان ندارند:

۱. عده‌ای از محققان مسلمان نظیر سید مرتضی، سید جعفر مرتضی عاملی و آیت الله خویی، به تدوین قرآن در حیات پیامبر قائل‌اند. این محققان برای اثبات مدعای خود شواهد و دلایل عقلی، تاریخی، روایی و قرآنی ارائه کرده‌اند. برای اطلاع از دلایل جمع قرآن در زمان پیامبر ﷺ می‌توان به این منابع مراجعه کرد: رامیار، تاریخ قرآن، ۱۳۷۴: ۲۸۰-۲۹۰ و ۲۹۴ و ۲۹۵؛ خویی، البیان، ۱۴۳۰: ۲۶۹ تا ۲۷۱؛ عاملی، طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۴۱۵: ۴۳/۱.

۲. و برخی می‌گویند: نظم و عدد آیات در هر سوره در زمان حیات پیامبر اکرم و با دستور آن بزرگوار انجام شده و توقیفی است اما ترتیب بین سوره‌ها تا هنگام پایان یافتن نزول قرآن امکان نداشت، زیرا پیامبر اکرم ﷺ تا در حال حیات بود هر لحظه احتمال نزول سوره‌ها و آیه‌هایی می‌رفت. بنابر این طبیعی است که پس از یأس از نزول قرآن، که به پایان یافتن حیات پیامبر وابسته بود، سوره‌های قرآن قابل نظم و ترتیب خواهد بود (معرفت، التمهید، ۱۴۱۵: ۱/۲۸۰).

با توجه به اینکه مفهوم جمع قرآن معانی مختلف دارد و هر کدام از نظرات بر اساس معنای خاص خودش مورد استدلال قرار گرفته است می‌توان بین جمع‌آوری قرآن در دوران پیامبر و پس از رحلت حضرت جمع کرد و برای هر کدام انگیزه‌های ویژه خود را در نظر گرفت یا هر کدام را مربوط به مرحله‌ای از جمع قرآن و معنای ویژه‌ای از جمع دانست (رضایی اصفهانی، صحیفه مبین، ۱۳۷۴: ۴/۵۴-۶۰).

اما آنچه مسلم و مورد اتفاق عالمان اسلامی است این است که قرآن فعلی عین همان آیاتی است که پیامبر اکرم به‌عنوان آیات وحی بر مسلمانان و صحابه قرائت می‌فرموده است. دلایل فراوانی بیانگر این مهم است از جمله این موارد:

«۱. پیامبر اکرم هر تعداد از آیاتی که نازل می‌شد چندین بار برای صحابه قرائت می‌کرد؛ ۲. کاتبان وحی و دیگران به نوشتن آن‌ها در نسخه‌های متعدد می‌پرداختند؛ ۳. به خاطر تأکید آن حضرت بر ثواب تلاوت آیات، مردم در طول عمرشان روزانه به تلاوت آن‌ها مستمرا می‌پرداختند؛ ۴. بر اثر احادیث فضیلت تعلیم و تعلم قرآن، مسلمانان به تشکیل جلسات و کلاس‌های آموزشی می‌پرداختند؛ ۵. به خاطر تأکید آن حضرت به برتری حافظان قرآن در قیامت بسیاری از صحابه به حفظ آیات قرآن می‌پرداختند. آنان آن قدر به حفظ قرآن، اهتمام ورزیدند که صدها نفر حافظ قرآن شدند و شهادت ۴۰۰ حافظ قرآن در جنگ یمامه نشانی از کثرت حافظان و

رواج حفظ بوده است؛ ۶. بزرگان صحابه اقدام به جمع آوری و تدوین کل آیات وحی پرداخته و هر کدام مصحفی برای خویش آماده ساختند؛ ۷. هنگام تدوین رسمی کامل قرآن توسط حکومت مسلمانان در زمان خلافت ابوبکر، از همه مصحف‌های رجال مشهور و کاتبان وحی کمک گرفته و مطابق با آن‌ها تدوین کردند؛ ۸. در هنگام تدوین مصحف‌ها در زمان خلافت عثمان نیز این کار مهم را ۱۵ نفر از شخصیت‌های خبره صحابه انجام دادند؛ ۹. از آن زمان تا کنون مسلمانان بلاد اسلامی به نسخه برداری و تکثیر و ترویج همان مصحف عثمانی پرداخته و هزاران نسخه یکسان که در طول چهارده قرن به مسلمانان عرضه شده است. تا جایی که نسخه‌هایی از هر قرن که هم اکنون در موزه‌ها نگهداری می‌شود همگی کاملاً با هم منطبق می‌باشند. ۱۰. صدها میلیون جلد قرآن کریم در قرون اخیر در چاپ‌خانه‌هایی از سراسر جهان به زیور چاپ آراسته و همه یکنواخت تمام عالم بشری را نور افشانی می‌کنند» (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۹۵: ۲۶۱).

بنابراین در اینکه قرآن به طور کامل جمع آوری شده و بدون کم و کاست به ما رسیده است تردیدی وجود ندارد و از این جهت قرآن در بین کتب آسمانی بی نظیر است. با توجه به آنچه گفتیم معلوم شد که دو دیدگاه مربوط به «ونزبرو» و «برتن» در نظر مسلمانان از درجه اعتبار ساقط است، چرا که قرآن در زمان رسول الله ﷺ جمع شده و این جمع به شکل کامل آن و بدون تحریف صورت گرفته است. «مونتمگری وات» مستشرق انگلیسی در یکی از آخرین کتاب‌های خویش که عصاره برداشت‌های خودش را از سی سال اسلام پژوهی گرد آورده است می‌گوید: «قرآن هم دقیقاً به صورت شفاهی نسل به نسل منتقل گردید. به همین جهت است که تمامی مذاهب اسلامی بر صحت قرآن موجود اتفاق نظر دارند و مسئله توصیه به حفظ قرآن و ترتیل آن بر صیانت و بقای قرآن افزوده است» (زمانی، مستشرقان و قرآن، ۱۳۹۵: ۲۶۳).

آیات بعد از نزول از ذهن و قلب پیامبر ﷺ نمی‌رفت ﴿سَنُفِّرُكَ فَأَلَّا تَنسَى﴾ بعد به حافظان آموزش می‌دادند و به کاتبان املاء می‌فرمودند و با تأکید و اهتمام خاصی که گفته شد آیات حفظ می‌ماند.

علاوه بر این اساساً بین مسأله نسخ و جمع قرآن ارتباطی نیست برای اینکه نسخ تلاوت یک اشتباه فاحش است و قابل قبول نیست. از نسخ تلاوت که بگذریم معنای ندارد که بگوییم پیامبر ﷺ چون احتمال نسخ آیات را می‌دادند قرآن را جمع آوری نکردند چرا که مبحث ناسخ و منسوخ درباره آیات قرآن است و اگر آیه منسوخ باشد باید در قرآن، موجود باشد.

نتیجه

مستشرقان بدون توجه به معنای نسخ بر اساس پیش‌فرض‌ها و انگیزه‌های خاص وارد این بحث شده‌اند. و مسأله نسخ را دستاویزی برای طرح شبهات گوناگون خود کرده‌اند. در حالی که قرآن کریم کتابی است آسمانی که به طور کامل بدون کم و کاستی به ما رسیده است و هیچ‌گونه تناقضی در آن نیست و از آنجایی که منبع اصلی فقه است تصور اختلاف قرآن و فقه نیز بی‌معنا است و البته برخی احکام از منابع دیگر فقه استخراج شده‌اند. همچنین نسخ مصطلح مصداق خارجی یا ندارد یا بسیار کم است و تبدیل حکم در این موارد بر اساس حکمت و ضابطه خاص خود ایجاد شده است. و طبق نظریه نسخ مشروط و تمهیدی اصلاً مجالی برای طرح هیچ‌کدام از شبهات نمی‌ماند.

فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دارالصادر، بی تا.
۲. امامی محمد و احمدی مصطفی، «رویکرد مستشرقان پیرامون نسخ در قرآن»، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۳. ایازی، محمدعلی، فقه پژوهی قرآنی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۴. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، تحقیق دیب البغا، مصطفی، بیروت: دار ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق.
۵. برتن، جان، «جمع قرآن»، مترجم اسکندرلو، محمدجواد، قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۴، ۱۳۸۷ ش.
۶. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه: محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۷. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۳۰ ق.
۸. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، نرم افزار التمهید.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، محقق: داوودی، صفوان عدنان، بیروت: دارالشامیه، ۱۴۱۲ ق.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمدعلی، «معانی جمع قرآن»، مجله صحیفه مبین، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۴ ش.
۱۱. رضایی اصفهانی، محمدعلی، و حلیم اف، محمد، «مبانی نظری مستشرقان در مورد تناقضات قرآن»، مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۸۸ ش.
۱۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بی جا: بی نا، بی تا.
۱۳. زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ ششم، ۱۳۹۵ ش.
۱۴. ساسی، سالم الحاج، نقدا لخطاب الاستشراقی الظاهره الاستشراقیه و اثرها فی الدراسات الاسلامیه، بیروت: دارالمدار الاسلامیه، ۲۰۰۲ م.

۱۵. سبحانی، جعفر، الموجز فی اصول الفقه، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چاپ ششم، ۱۴۲۲ق.
۱۶. شریفی، علی، «ترجمه مدخل نسخ از دائرةالمعارف اسلامی و نقد و بررسی آراء شرق شناسان»، پیام جاویدان، ش ۸، پاییز ۱۳۸۴ش.
۱۷. شریفی، علی، «نقد و بررسی دیدگاه‌های مشهور شرق شناسان در مورد نسخ»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۱۵، تابستان ۱۳۸۳ش.
۱۸. شریفی، علی، «نیم‌نگاهی به مسئله نسخ از دیدگاه برخی مستشرقان»، گلستان قرآن، ش ۱۱۹، تیر ۱۳۸۱ش.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، التوحید، مصحح حسینی، هاشم، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۲۲. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم، بی تا.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۴. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار جامع الاحادیث- نسخه ۳.۵.
۲۵. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار جامع التفاسیر نور- نسخه ۳.
۲۶. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار مجموعه آثار آیت الله معرفت.
۲۷. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار مشکاه الانوار.
۲۸. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار موسوعه الامام الخوئی.
۲۹. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، نرم افزار مجموعه آثار دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی.
۳۰. معرفت، محمد هادی، «نسخ در قرآن در تازه ترین دیدگاه‌ها»، مجله بینات، شماره ۴۴، زمستان ۱۳۸۳ش.
۳۱. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۳۲. معرفت، محمد هادی، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۴۲۳ق.

۳۳. معرفت، محمدهادی، صيانة القرآن من التحريف، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹ش.
۳۴. المقدادی، فؤاد کاظم، الاسلام و شبهات المستشرقين، قم: المجمع العالمی لاهل البيت، بی تا.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسير نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دهم، ۱۳۷۱ش.
۳۶. مهدوی راد، محمدعلی، «آسیب شناسی کتاب هرمنوتیک طبرسی و مهارت تفسیر قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۹۳ش.
۳۷. نولدکه، تنودور، تاریخ القرآن، مترجم: تامر، جورج، زوریخ: دار نشر جورج ألمز، ۲۰۰۰م.